

کودتای سفید (۱) (اسنادی از اصلاحات ارضی)

جلال فرهمند

r n ii sor

انقلاب ایران یک ضرورت تاریخی بود برای اینکه جامعه ایرانی را از صورت قرون وسطایی به صورت یک جامعه پیشرو و کوشای جهان امروز درآورد. همچنانکه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ | ۲۴۷۹ | ضرورتی تاریخی بود.

محمد رضا پهلوی

با سخنرانی کندی در شب بیستم ژانویه ۱۹۶۱ (دی ماه ۱۳۳۹) (به هنگام پیروزی بر رقیب ریچارد نیکسون) شاه متوجه شد به دوران جدید و متفاوتی پای گذاشته است.^۱ دورانی که حداقل به مذاق شاه چندان خوش نخواهد نشست و البته تا مدتی چنین بود. کمکهای مالی شاه و تلاشهای تقریباً وسیع اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا (که به قیمت عزل وی از سفارت تمام شد) برای پیروزی نیکسون که امید می‌رفت ادامه دهنده راه ژنرال آیزنهاور در منطقه خاورمیانه باشد به ثمر نشست بود. کندی سیاستی دیگر داشت به طوری که شاه از آن سیاست به تلخی یاد می‌کند و سالها بعد در مصاحبه‌ای از

۱. کندی در آن سخنرانی گفت: به آن کسانی که در بیفوله‌ها و روستاهای نیمی از کره زمین در پی پاره کردن بندهای نگون بختی نوده‌ها، در مبارزه و ستیزند، تعهد می‌سپاریم که بهترین و بالاترین کوشش خود را، تا هر زمان که لازم باشد، کار بندیم، تا قادر به خودیاری گردند. این کار نه به خاطر آن است که امکان انجامش توسط کمونیستها وجود دارد، نه برای آن است که ما نیازی به آراء آنها داریم، بلکه به این جهت است که ما آن را کار درستی می‌دانیم. اگر یک اجتماع آزاد نتواند، باور و مددکار بینوایان باشد، یاری نگاهداری از معدودی ثروتمند را نیز نخواهد داشت. جیمز ایل. شیر و عقاب. ترجمه فروزنده برلیان. تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱. ص ۱۸۳.

آن زمان به عنوان دوران بد روابط ایران و آمریکا یاد می‌کند.^۲ به نظر می‌رسد دوران کمکهای نظامی و اقتصادی هنگفت جمهوریخواهان به پایان رسیده است، کمکهایی که پس از کودتای ۲۸ مرداد سر به یک میلیارد دلار می‌زد.^۳ و البته در کنار این کمکهای مستقیم مالی، حضور میسیونهای فرهنگی و اقتصادی در قالب اصل چهارم ترومن به عنوان مکمل به حساب می‌آمد. یک ماه بعد از پیروزی کندی تحلیل‌گران ساواک به این سیاست جدید پی بردند. گزارش رسمی ساواک به جعفر شریف امامی در سال ۱۳۳۹ مؤید این مطلب است:

اولین مطلبی که در این بررسی جلب نظر می‌کند اختلاف اصولی ای است که بین سیاست کندی و سیاست سلف وی وجود دارد. مبانی سیاست نیکسون که بر پایه تعقیب سیاست آیزنهاور پایه‌گذاری شده بود در حقیقت ادامه اصول سیاست گذشته بود در حالی که قدم اول برنامه کار کندی تحول در روشی است که جمهوریخواهان مدافع و مجری آن بودند.^۴

این تغییر سیاست حکومت آمریکا ریشه در تحولات جهانی داشت. شروع دهه شصت دهه غلبه سیاستهای شوروی بود. پیروزی انقلاب کوبا در آمریکای مرکزی، نفوذ شوروی در کشورهای جنوب شرق آسیا و عمدتاً ویتنام و دخالت و نفوذ همین کشور در بسیاری از مستعمرات سابق غربی در آفریقا و شیوع نهضت‌های آزادیبخش در این قاره نشانه این تحولات بود. از سوی دیگر هزینه نگهداری حکومت‌های دست‌نشانده آمریکایی و یا طرفدار غرب بسیار زیاد شده بود و این بر مشکلات مالی آمریکا می‌افزود، مشکلاتی که از جمهوریخواهان به ارث رسیده بود و وعده‌های انتخاباتی کندی مبنی بر رفع آن بود. بنابراین، زمینه اصلاح کشورهای دست‌نشانده جهت مقابله با کمونیستها و کاستن از بار مالی آمریکا آغاز شد.

گرفتن چهره‌ای انقلابی در مقابله با فقر و فساد در سخنرانیهای کندی آشکار است. اصلاحات می‌بایستی از طبقات بالای نظامهای وابسته شروع شود بدون اینکه به سلطه آمریکا ضربه‌ای وارد آید. می‌بایستی این اصلاحات به گونه‌ای باشد که برخی تغییرات ظاهری سیاسی و برخی تغییرات حتی عمیق اقتصادی جهت بهبود حال مردم ناراضی

۲. پیشین، صص ۱۹۳-۱۹۲.

۳. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱.

۴. سند ۸-۲۲۱۹-۲۵۱۳ش موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.



این کشورها ایجاد نماید تا میل به انقلاب و دگرگونی نظامهای حاکم را به حداقل برساند. این امر به هنرمندی حاکمان این کشورها بستگی داشت که چون هنرپیشه‌ای در کمترین زمان ممکن از دیکتاتوری خشن به مصلحی مردم دوست تبدیل شوند. این برنامه دوماه بعد از روی کار آمدن کندی شکل گرفت و «اتحاد برای ترقی»^۵ نام یافت. این برنامه اصلاحی که در واقع استراتژی آمریکا در کشورهای جهان سوم بود با نام والت ویتمن روستو، جامعه شناس معروف

آمریکایی و مشاور امنیت ملی کندی پیوند خورده است. دیدگاه وی یک دیدگاه تاریخ‌گرایانه است. او برای رشد جامعه بشری یک سیر تکاملی قائل است و ملاک این تکامل را سطح رشد تکنولوژی می‌داند. لذا جوامع بشری را به دو دسته سنتی و صنعتی تقسیم می‌کند که برای رسیدن به مرحله صنعتی باید یک دوره‌ی گذار را طی نمود. در این مرحله که مرحله تحول «صنعتی» بود، بایستی به دست یک دولت مرکزی نیرومند، در رشته‌های «غیرصنعتی به ویژه کشاورزی»، تحولات انقلابی صورت گیرد. مهم‌ترین این تحولات اصلاحات ارضی است.^۶ این تز و استراتژی که مورد قبول کندی بود به خاطر نزدیکی ایالات متحده به آمریکای جنوبی و از آن مهمتر پیروزی انقلاب کوبا که موج آن آمریکای جنوبی را احاطه کرده بود اجرا شد. موفقیت اجرایی این برنامه هنوز مشخص نشده بود که با توجه به گزارشهای ناآرامیهای پی‌درپی در سایر نقاط جهان کندی مجاب شد این برنامه را در سایر نقاط بیازماید. عمده این گزارشها از خاورمیانه

می‌آمد. در منطقه خاورمیانه با از دست رفتن دو حکومت پادشاهی وابسته یعنی عراق و مصر (که تا اندازه‌ای به دامن شوروی افتاده بودند) اجرای برخی اصلاحات پر سروصدا و از جمله اصلاحات ارضی مورد توجه قرار گرفته بود.

پیشانی خط دفاعی آمریکا در خاورمیانه ایران بود که در منطقه‌ای به مراتب حساس و با مرزهای طولانی قرار داشت. کشوری که با توجه به این همه حساسیت استراتژیکی به بیماری مزمن فساد و نارضایتی عمومی دچار شده بود. شیوه حکومت جبارانه و توجیه‌ناپذیر سلطنت در ایران که پس از کودتای ۲۸ مرداد اوج گرفته بود زمینه‌ساز ناآرامیهای داخلی بود. محمدرضا شاه میانسال که همواره در سایه پدر قرار داشت، از سایه بیرون آمده بود و ناکامیهای پس از شهریور بیست را که چون بختکی گریبانگیرش بود به کناری نهاده و یکه‌تاز میدان سیاست ایران شده بود. شاه آن‌قدر زیرک بود که تغییر جهت سیاست آمریکا را درک کند. گزارشهای نامساعدی که از ایران می‌رسید، تحلیل‌گرانی چون جان باولینگ از وزارت خارجه آمریکا، والتر لیپمن روزنامه‌نگار معروف و مفسر سیاسی و پروفیسور کویلریانگ استاد دانشگاه پرینستون را وادار به واکنش کرد. آنان خطر را بیخ‌گوش شاه می‌دیدند و این خطر موجب شد که برنامه «اتحاد برای ترقی» برای خاورمیانه نیز در نظر گرفته شود.

جامع‌ترین تحلیلها از آن جان باولینگ بود که طی دو گزارش به نتایج مهمی رسیده بود. در گزارش اول وی، تغییر حکومت شاه و جایگزین شدن افراد ملی به جای وی را به ضرر ایالات متحده دانسته بود.^۷

در گزارش دوم که جامع‌تر و کامل‌تر بود ماندگاری شاه را با اجرای برخی اصلاحات پیشنهاد می‌کرد. یعنی اجرای اصلاحات از بالا ولی با شرط و شروط کافی که در چهارده بند خلاصه می‌شد. چهارده بندی که بعدها اساس و مایه کار اصلی انقلاب سفید شاه و مردم نام گرفت. بندهای این برنامه که به شکلی ریاکارانه و عوامفریبانه تهیه شده بود فقط بر تغییر نمادین حکومت تکیه داشت بدون آن که ساختار اصلی حکومت شاه دچار کمترین تعرضی شود. گل سرسبد این چهارده بند «اصلاحات ارضی» بود.^۸

۷. جیمز ایل. پیشین، ص ۱۸۷.

۸. این چهارده بند عبارتند از:

۱. تمام نارضایتیهای موجود را از خود، دور کرده متوجه وزیران خود سازد.
۲. خانواده خود را، یا حداقل بیشتر آنها را به اروپا بفرستد، و از خود دور سازد.

هرچند شاه براین نکته اصرار دارد که اصول اصلاحات در کشور کاملاً داخلی و از ذهن ایرانی تراوش کرده است ولی نزدیک به بیست سال بعد تا هنگام پیروزی انقلاب بسیاری از بندهای این برنامه به عنوان برنامه انقلابی اجرا شد. شاید برای همین ابهام زدایی از مداخله خارجی است که شاه در کتابش یعنی به سوی تمدن بزرگ که سومین کتاب از مجموعه تریلوژی کتابهایش به حساب می‌آید می‌نویسد:

مهم‌ترین خصیصه این انقلاب این است که از هیچ چیز بجز مصالح ملی و ارزشهای ایرانی و نیازهای ایرانی و نیازهای اجتماعی جامعه ایران مایه نگرفته و در طراحی اصول آن هیچ ایدئولوژی بیگانه ملاکی کار نبوده است، زیرا از نظر انقلاب،

۳. از مسافرت‌های رسمی به کشورهای خارج اجتناب جسته، و از تشویق کشورهای دیگر نیز برای دیدار از ایران پرهیز کند.

۴. تدریجاً از نیروهای نظامی خود کاسته، و آن را کوچک ولی نیرومند سازد، به حدی که برای امنیت داخلی در رفع اغتشاشات و جنگهای چریکی کافی باشد.

۵. بیشتر مشاوران آمریکایی را از کارهای دولتی برکنار کرده تنها به گروههایی که در زمینه‌های بهداشت و آموزش و بهبود بخشیدن به سطح زندگانی گمارده شده‌اند، اجازه کار بدهد.

۶. به گونه‌ای که همگان آگاه شوند، طبقه حاکمه سنتی را به خاطر نداشتن احساس مسئولیت اجتماعی تقیح کند.

۷. از شهرتی که به طرفداری از غرب پیدا کرده است، به نحوی که صدمه زیادی به دنیای آزاد نزند، خود را مبرا سازد.

۸. به کاهش سطح زندگی شخصی، تشریفات و تجملات تظاهر نماید.

۹. تقسیم اراضی شخصی را لاقفل در حدی که مثال و رهنمود اعتراض‌گونه‌ای برای مالکین بشود، و با تبلیغ گسترده و سروصدای فراوان انجام گیرد، آغاز کند.

۱۰. نسبت به کنسرسیوم نفت رفتاری تهدیدآمیز پیش گیرد، و تا می‌تواند از امتیازی که برایش حاصل می‌شود، بهره‌برداری کند، به طوری که چنین به نظر آید که کنسرسیوم با بی‌میلی در برابر قدرت و نیروی تصمیم او سرفرود آورده است.

۱۱. به گونه‌ای که در دید عموم قرار گیرد، دیوانسالاران رده بالا را به خاطر فساد، مورد اتهام قرار دهد، خواه اتهام ثابت شود و خواه نشود.

۱۲. از میان طرفداران مصدق، دو نفر که میانه‌رو و مورد احترام باشند، برای وزارت اقتصاد و ریاست سازمان برنامه، برگزیند، این افراد باید بتوانند بدون آنکه هیچ‌گونه تغییری در روند سیاسی داده شود، از عهده مسئولیتهای واگذار شده برآیند.

۱۳. تمام جزئیات کارهایی که در بنیاد پهلوی انجام می‌گیرد، رسماً علنی گردد، و چندتن از طرفداران میانه‌رو مصدق به عنوان ناظران بر امور آن، انتخاب شوند.

۱۴. برای تماس دائمی با طبقه متوسط، سعی کند خصوصیات خود را به کار گیرد. جی‌جی‌ا. بی.ل. پیشین،

ایدئولوژی یک کلای وارداتی نیست، و اصولی که به نام کاپیتالیسم و سوسیالیسم و مارکسیسم و دهها «ایسم» دیگر در جوامع مختلف جهان به مقتضای شرایط و روحیات و نیازهای خاص آن جوامع وضع شده‌اند، نمی‌توانند جوابگوی نیازها و روحیات و شرایط کشور ما نیز باشند... وانگهی اصالت اندیشه ایرانی، در زمینه ارائه راه‌حل ایرانی برای مسائل ایران، اصولاً نیازی به افکار وارداتی ندارد.^۹

شاه برای آشنایی بیشتر با حکمرانان جدید آمریکا، تیمور بختیار رئیس وقت ساواک را به عنوان فرستاده ویژه رهسپار آمریکا کرد.^{۱۰} سفری که حداقل برای بختیار چندان خوش یمن نبود و اندکی بود با فشار آمریکا تعویض شد.

بختیار دریافته بود که درخواستهای اصلاحی آمریکاییان گرچه ظاهراً حکومت شاه را در معرض خطر سقوط قرار نمی‌داد ولی با اصول اولیه حکومت بیست ساله شاه تعارض داشت. آمریکا نقش بیشتری در حکومت می‌خواست. فشارهای داخلی و بیرونی که به ابطال انتخابات قلابی دوره بیستم (چه در مرحله اول و تابستانه آن و چه در مرحله دوم و زمستانه) انجامید از آن نمونه بود. نخست‌وزیران سستی چون اقبال و شریف‌امامی که از نوکران دربار بودند برکنار شدند و با فشار مستقیم و غیرمستقیم آمریکا دکتر علی امینی سفیر سابق ایران در واشنگتن با نارضایتی شاه بر کرسی ریاست‌الوزاری نشست. طلیعه اصلاحات آغاز شده بود.

دوران کوتاه چهارده ماهه که با سروصدا شروع شده بود با سکوت به پایان رسید. سکوت مصلحتی شاه نشان از غلبان درون داشت. در نهان، هدف شاه کنار رفتن امینی و انجام اصلاحات به دست خودش بود. دوران امینی با انتصاب حسین ارسنجانی مرد فعال کابینه جهت اصلاحات ارضی پرتبوتاب بود. محاکمه مختلسین و فاسدان سرلوحه و شعار کابینه بود. دادگاههای جنجالی و تبلیغاتی بدون نتیجه به پایان رسید و فقط خوراک مطبوعاتی مطبوعات قدیمی و جدید شد. البته با توجه به فضای باز سیاسی ایجاد شده قبل و بعد از تشکیل کابینه امینی راه فعالیت بسیاری از مخالفان سیاسی رژیم گشوده شد. جبهه ملی دوم شکل گرفت و بازار فعالیت سیاسی در دانشگاه گرم شد. مطبوعات

۹. محمدرضا پهلوی. به سوی تمدن بزرگ. تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، بی‌تا، ص ۸۴

۱۰. برای اطلاع بیشتر از مسافرت تیمور بختیار به آمریکا به فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۷۸. مقاله روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری کندی، صص ۲۰۸-۱۲۳ مراجعه شود.



استقبال گرم علی امینی نخست‌وزیر از همسر رئیس‌جمهور آمریکا به ایران؛ از راست: محسن قراقرق، اردشیر زاهدی، علی امینی، حمید مصدق‌پان‌پور، فاطمه پهلوی و ژاکلین کندی. [۱۳۳۱-۱۳۳۱ع]

راحت‌تر می‌نوشتند ولی مشکلات کابینه امینی با توجه به دسیسه‌های شاه و عملی نشدن وعده‌های اقتصادی به نتیجه نرسید.

آمریکا نیز بحرانهای خاص خود را داشت. بحران موشکی کوبا، شدت گرفتن جنگ سرد و نگرانی از جنگ جهانی سوم تعدیلی آشکار در روش اصلاحات آمریکا ایجاد کرده بود.

اصلاحات انجام شده در ایران و به تبع آن فضای باز سیاسی، بحرانهای داخلی را تشدید کرده بود. شاه از فرصت استفاده کرد و در سفر چهارم خود به آمریکا، زمینه را برای برکناری امینی و گرفتن مجدد به قدرت مطلقه فراهم کرد (فروردین ۱۳۴۱). پس از این سفر، امینی سه ماه بیشتر دوام نیاورد (تیر ۱۳۴۱).

یار سستی شاه یعنی اسدالله علم به نخست‌وزیری رسید و علم اصلاحات، بر دوش شاه قرار گرفت. نیروهای مخالف داخلی نیز از ماهها قبل سرکوب شده بودند. واقعه بهمن ۱۳۴۰ در زمان حکومت امینی دسیسه‌ای برای تضعیف وی بود.^{۱۱}

دو ماه بعد از برکناری امینی لیتدون جانسون معاون رئیس‌جمهور آمریکا و همراهان در دوم شهریور ۱۳۴۱ وارد ایران می‌شوند. پیامهای جانسون، پیامهایی یک طرفه نبود، خوف و رجاء در آن نهفته بود. علاوه بر اینکه بر حضور قدرتمند شاه مهر تأیید می‌زد ولی از سوی دیگر برانجام و ادامه اصلاحات پافشاری می‌کرد. همین برای شاه کافی بود که آمریکا به او اعتماد کرده است. حضور افراد متنفذ آمریکایی در ماههای بعد در ایران که نام آنها فهرست‌وار در ذیل می‌آید مؤید این امر است: ارویل فریمن وزیر کشاورزی، سناتور استوارت سمینگتون، سناتور باری گلدواتر، دیوید راکفلر، ادوارد ر. مارو، دین راسک وزیر خارجه، شخصیت نفتی هوارد پیچ، سناتور ارنست گرونینگ، جان ج. مک کلوی، ژنرال ماکسول تیلور و^{۱۲}

شاه این فرصت طلایی را بهترین موقعیت برای خود دید. شاهی که در دوران بیست سال و اندی پادشاهیش هنوز کاری درخور شاهی نکرده بود در رأس کاری قرار گرفت که طبق نظر مشورتی، مشاوران فرهنگیش انقلابش خوانند. انقلابی که با استدلال شاه چون بدون خونریزی شکل گرفت «انقلاب سفید» نام گرفت. شاه این انقلاب را هم‌مطراز

۱۱. برای اطلاع بیشتر به فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۲، مقاله یورش به دانشگاه، صص ۲۵۷-۳۳۲ مراجعه شود.

۱۲. جیمز ابیل. پیشین، صص ۱۹۹-۱۹۸.

«کودتای سوم حوت» و بالاتر از آن می‌دانست:

انقلاب ایران یک ضرورت تاریخی بود برای اینکه جامعه ایرانی را از صورتی قرون وسطایی به صورت یک جامعه پیشرو و کوشای جهان امروز درآورد. همچنانکه کودتای سوم اسفند ۲۲۷۹ [۱۲۹۹] ضرورتی تاریخی بود. برای اینکه اصولاً کشور مستقلی به نام ایران در روی نقشه دنیا باقی نماند. بدون چنین کودتای اساساً از وجود جامعه‌ای حاکم بر سرنوشت خود و این سرزمین اثری نمی‌ماند، ولی بدون انقلاب اجتماعی ایران نیز این جامعه امکانی برای جبران عقب‌ماندگی همه جانبه خویش از جهان مترقی نمی‌یافت.^{۱۳}

موفقیت اجرای این انقلاب حکومتی و به قول گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت «حرکت بلندپروازانه ملی»^{۱۴} به شکلی کامل مهیا بود. حکومت رقیب شاه یعنی امینی سقوط کرده بود و شاه با تشکیل دولت وفادار به خود (اسدالله علم) یک‌تاز میدان بود. اطمینان آمریکا نیز به شاه جلب شده بود. مجلس شورای ملی مخالف در کار نبود. مجالس قبلی که درصد زیادی از اعضای آن از فرزندان عمده مالکان و یا خود مالک بودند^{۱۵} و احتمال زیاد داشت اگر نتوانند با اصلاحات مخالفتی بکنند، تغییراتی در آن ایجاد نمایند برافزوده بود. چنانکه لایحه ابتدایی اصلاحات ارضی در

۱۳. محمدرضا پهلوی. پیشین. ص ۷۱.

۱۴. «گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت» که جهت فلسفه بافی برای نظام سلطنتی و از جمعی از اساتید دانشگاهی تشکیل شده بود در جزوه‌ای، ایدئولوژی این انقلاب را چنین بیان می‌کند: «انقلاب شاه و ملت، به مفهوم واقعی آن تجلی یک بلند پروازی ملی است... در موارد متعدد، هنگامی که تمامی موجودیت ملی در حالت انقراض و نابودی به نظر می‌رسید، پیوند و اتحاد میان مرکز تصمیم سستی (شاه) و ملت، رستاخیزهای ناگهان به وجود آورده است. انقلاب شاه و ملت نیز چنین بود. منتهی در معنای رستاخیز برای توسعه اقتصادی در عین ترقی اجتماعی، رستاخیز برای پشت سر گذاشتن حالت عقب افتادگی اقتصادی و وصول سریع به آنچه بعداً «تمدن بزرگ» خوانده شد. در این مفهوم، رستاخیز انقلاب شاه و ملت یک بلندپروازی ملی (ولی نه غیر منتظر از ایرانیان بود) چرا که در دنیای امروز، اصل بر فزون طلبی ملت‌های کوچک و غیرممکن را ممکن ساختن و غیرمتصور را عملی نمودن، نیست. اما به نظر می‌رسد که تجربه ملی ایران، استثنایی بر این قاعده باشد. استثنایی که ممکن است مؤید قاعده باشد، اما نباید از ارزش آن به عنوان الگو غافل ماند. مبانی جامعه نوین. گزارش کمیته سیاسی مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان. تهران، گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت. ۱۳۵۲. ص ۳۲.

۱۵. بنا به تحقیق خانم زهرا شجعی در سه دوره عصر مشروطیت بین ۳۸ تا ۵۳٪ نمایندگان مجلس جزو خانواده‌های عمده مالک ایران بودند. زهرا شجعی. نخبگان سیاسی ایران (نمایندگان مجلس شورای ملی). تهران سخن. ۱۳۷۲. ج ۴، ص ۳۰۷.

مجلس نوزدهم دچار این سرنوشت شد.

دو سال و نیم فترت ایجاد شده بین مجلس بیستم و بیست و یکم به نظر کافی می‌آمد. دیگر مشکل عمده‌ای که بر سر راه شاه قرار داشت وجود مرجعی قدرتمند چون آیت‌الله بروجردی بود که این اصلاحات را برخلاف اسلامیت می‌دانست. با فوت آیت‌الله در فروردین سال ۱۳۴۰ و ایجاد خلاء در مرجعیت این مسئله تا حد زیادی حل شد. اصول ششگانه انقلاب سفید با تصویب سریع کابینه علم آماده اجرا بود. خلاء قانونی نبود مجلس نیز با رفراندم ششم بهمن ۱۳۴۱ به صورتی ظاهری حل شد و قانون عملی گردید. رفراندم با چیزی حدود صد درصد آراء پیروزی مفتضحانه‌ای بود!

برای اجرای سریع مهمترین اصل این اصول ششگانه یعنی اصلاحات ارضی، حسن ارسنجانی که بازمانده و طراح این قانون در کابینه امینی بود از کاربرکنار شد و کادری کاملاً نظامی در رأس مدیران اجرایی وزارت کشاورزی قرار گرفت. سپهبد ریاحی وزیر کشاورزی و افسری چون عبدالعظیم ولیان به معاونت وی در رأس سازمان اصلاحات ارضی کل کشور منصوب شدند. ولیان از کسانی بود که علاوه بر نظامی‌گری از افسران کارآموده ساواک شمرده می‌شد. وزارتخانه‌ای کاملاً نظامی و امنیتی این قانون را به شدت و حدت اجرا می‌کرد.

از سال ۱۳۴۶ با تشکیل وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی عبدالعظیم ولیان کلاً از ساواک به ریاست آن وزارت تازه تأسیس منصوب شد و مراحل بعدی اصلاحات ارضی را پی‌گیری کرد پس از پایان سومین مرحله اصلاحات ارضی نام این وزارتخانه به وزارت تعاون و امور روستاها تغییر یافت. ولیان تا سال ۱۳۵۳ وزیر آن بود و پس از آن وزیری غیرنظامی جایگزین شد و در سال ۱۳۵۶ وزارتخانه‌ای به این نام منحل گردید و وزارت کشاورزی تنها مرجع رسمی کشاورزی و امور زراعی بود. شاه آن چنان که فکر می‌کرد این انقلاب، سفید به انجام نرسید. هرچند که عالم تشیع روحانی بزرگی چون آیت‌الله بروجردی را از دست داد ولی عامه روحانیت به اجرای قانون اصلاحات ارضی و سایر اصول ششگانه‌ای که مغایر شرع بود روی خوش نشان ندادند. از این بین حضور روحانی پرجذبه‌ای چون آیت‌الله خمینی بیشتر به چشم می‌خورد. وی سرنترسی داشت و شور و حرارت انقلابی وجه غالب محتوای سخنرانیهای وی بود. حادثه ۱۵ خرداد که شاه همیشه از آن به نام اتحاد «سرخ و سیاه» یاد می‌کرد، کام وی را تلخ کرد. لکه‌های بزرگی سرخی بر انقلاب سفید نشست و تا سال ۵۷ سرخ‌تر هم شد. هدف برنامه



۲۵۷

سفر موفقیت آمیز شاه به آمریکا و آمادگیش برای انجام اصلاحات درخواستی کندی
جان اف. کندی، محمدرضا پهلوی و لیتدون جانسون | ۱۱-۵۹ع |

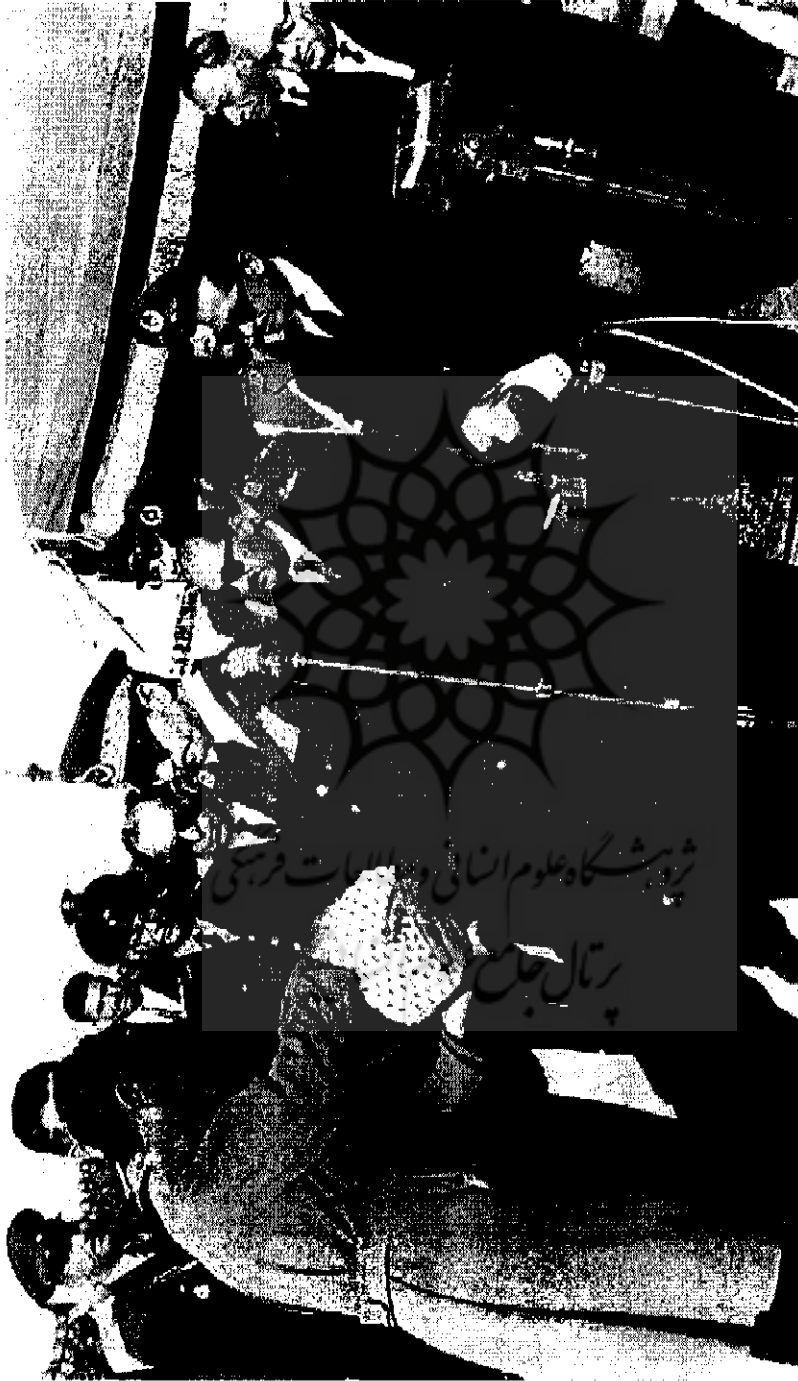
اصلاحات ارضی که بهبود کیفیت روستائیان و ازدیاد غله و محصولات کشاورزی اعلام شده بود نه تنها به نتیجه نرسید بلکه سطح زندگی زیر فقر روستائیان و دهقانان بی‌زمین را فقیرانه‌تر کرد. اساس سهمیه‌بندی کشاورزی که برپایه صدها سال تجربه بین مالک و کشاورز شکل گرفته بود در اندک زمانی و با تصمیمی آنی بر باد رفت. البته غرض از این سخن، دفاع از مناسبات پیش از آن نیست. هرچند دستیابی به زمین، آرزوی هر زارع بی‌زمین بود ولی تهیه سایر مصالح این چرخه کشاورزی تنها محدود به زمین نبود. وسایل تولید و ابزار کار و بذر و آب بقیه چرخه این امر بود که قبل از اصلاحات بر عهده مالک بود. مالک حذف شد و دولت جای وی را گرفت. با بروکراسی پیچیده دولتی ایران کشاورز ره به جایی نمی‌برد. در جامعه شهرنشین که در شهرهای متمدن توان گردهمایی و تشکیل تعاونی را نداشتند چگونه می‌شد قبول کرد این فرهنگ بین روستاهای دورافتاده و روستائیان بی‌سواد که شاید برخی برای اولین بار مأموران دولتی را در

روستای خود می‌دیدند رواج پیدا کند؟ شرکتهای تعاونی و روستایی تشکیل شد ولی نتیجه آن چه شد؟ به اذعان اکثر کارشناسان امور زراعی، اصلاحات ارضی بجز قطع شدن چرخه تولید و سردرگمی نیروی کار که همان زارعان و خوش‌نشینان روستایی بودند نتیجه چندانی نداشت، هرچند که شاه با حفظ ظاهر بر پرستیژ سیاسی خود در مجامع بین‌المللی افزود. البته این اصلاحات برای کشاورزی آمریکا که از نیمه دهه چهل به کشور عمده صادرکننده غله به ایران تبدیل شد خوش یمن بود. درگیری کشاورزان و زارعان با مشکلات جدید از اوایل دهه پنجاه که اصلاحات ارضی نیز رسماً به پایان رسیده بود بیش از پیش نمایان شد. هجوم کارگران کشاورزی از روستاها به شهرها و ایجاد حاشیه‌نشینهای متعدد که ساکن زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای دور شهرهای بزرگ و از جمله تهران بود نتیجه همان سیاست شتاب‌آلوده و بی‌حساب و کتاب اصلاحات ارضی بود. هرچند که این کارگران کشاورزی به کارگران صنعتی کارخانه‌های واسطه‌ای صنعتی تهران و اصفهان و تبریز تبدیل شدند ولی آرزوی زندگی بهتر، سیلی از این مهاجران ناکارآموده را به شهرها سرازیر کرد که کار می‌خواستند.^{۱۶} در سال ۵۷ بسیاری از همین زارعان و فرزندان‌شان که نسل دوم آنان بودند با فراموش کردن «اصلاحات ارضی» خواهان «اصلاحات سیاسی» شدند.

برای این شماره فصلنامه تاریخ معاصر ایران و شماره آینده ۴۷ سند از اسناد اصلاحات ارضی انتخاب گردیده که در چهار مجموعه قابل تقسیم است:

۱۷ سند اول شامل گزارشها و اسنادی از وضعیت کلی اصلاحات ارضی از جمله نظرات هوشنگ رام برای تغییرات قابل انجام در قانون اصلاحات ارضی، انتصابهای مختلف در وزارت کشاورزی و سازمان اصلاحات ارضی، مکاتبه برخی از افراد سرشناس درباره اصلاحات ارضی و...؛ اسناد ۱۸ و ۱۹ نحوه تقسیم اراضی در گنبد و دشت؛ اسناد شماره ۲۰ تا ۳۸ حوادث به وقوع پیوسته در استان فارس و اسناد شماره ۳۹ تا ۴۷ اختصاص به درگیریه‌ها و مشکلات امنیتی مناطق کردنشین دارد.

۱۶. محمدرضا پهلوی در چهارمین و آخرین کتابش یعنی پاسخ به تاریخ به بهبود وضع معیشتی کارگران صنعتی نگاهی دارد که گویی به طنز بیشتر شبیه است: در سال ۱۳۵۴ به هنگام بازدید از کارخانه قند قوچان یکی از کارگرها در پاسخ به سؤال من از وضع زندگیشان گفت که نزدیک به ۸۰٪ کارگران دارای وسیله نقلیه شخصی هستند و نیمی از آنان از خدمه خانگی استفاده می‌کنند. چنین بود و چنین است، پاسخ من به تاریخ درباره توسعه اقتصادی و اجتماعی و رفاه کشاورزان و کارگران. محمدرضا پهلوی. پاسخ به تاریخ. بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۴۰.



شروع اصلاحات ارضی در فارس؛ ابوالفتح آتابای، کریم وهرام، محمدتقی مجیدی، حسن ارستجانی، محمدرضا پهلوی، عباس سلوور | ۱۱۳-۱۱۴و

[۱]

[نظر اصلاحی هوشنگ رام^{۱۷} درباره برخی از بندهای قانون اصلاحات ارضی]

بانک عمران و تعاون روستایی

شرح پیوست در تاریخ ۳۸/۶/۳۱ محرمانه و مستقیم یک نسخه جهت استحضار جناب آقای اشرف احمدی^{۱۸} معاون نخست‌وزیر و یک نسخه جهت استحضار جناب آقای سرلشکر اخوی^{۱۹} وزیر کشاورزی ارسال گردیده است.

* * *

به نظر این‌جانب پنج نکته اساسی باید در تنظیم قانون مربوط به اصلاحات ارضی رعایت شود:

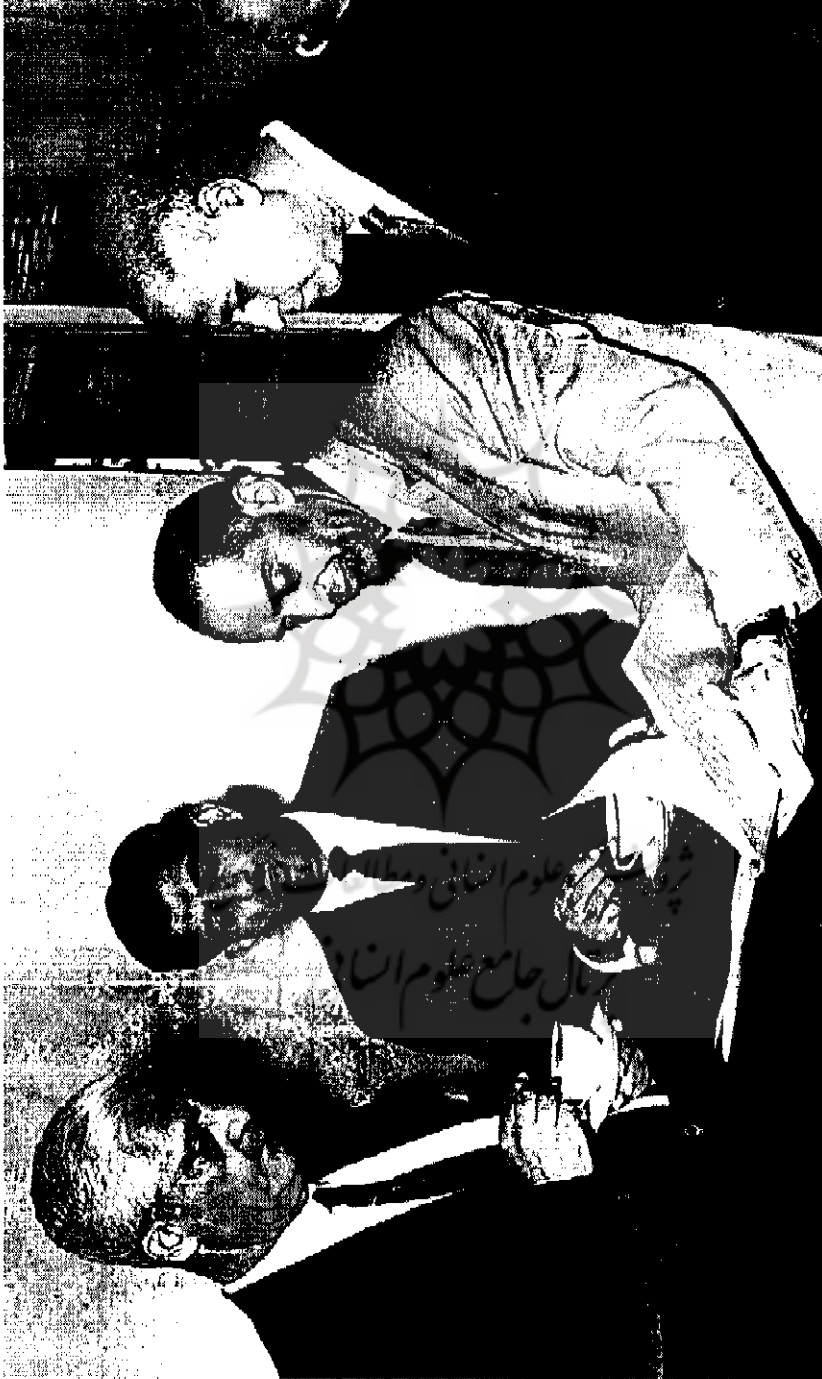
(۱) منظور از این قانون این است که، در زمان حاضر، دیگر دنیا به ما اجازه نمی‌دهد بساط فئودالیسم داشته باشیم و اجازه بدهیم عده زیادی از کشاورزان این آب و خاک در بدترین شرایط زندگی نمایند و عده خیلی کمی از نتیجه دسترنج آنها با کمال رفاه در داخل ایران و یا خارج از ایران زندگی کرده و تحت هیچ شرطی هم حاضر نباشند در روستاهای خود زندگی کرده و مستقیماً به کار کشاورزی مشغول شوند. منظور از این قانون این است که به کشاورزان ایرانی که مستقیماً در کار زراعت دست دارند کمک بشود و در رفاه حال آنها کوششی شود. بنابراین، هر تبصره و ماده‌ای که این منظور اساسی را فراهم ننماید نقض غرض خواهد بود. و مناسب است که مقدمه‌ای در این زمینه در اول قانون ذکر شود؛

(۲) مواد قانون باید ساده و صریح و عملی باشد. قانون پیچیده که دارای مواد زیاد و

۱۷. لیسانس دانشکده حقوق و سپس دکترای اقتصاد از آمریکا. پس از مراجعت از آمریکا به مدیرعاملی بانک عمران که وابسته به بنیاد پهلوی بود منصوب شد. تمام معاملات بنیاد در این بانک انجام می‌شد. وی به علت تحصیلات عالی‌ای که داشت در امور کشاورزی دقیق و صاحب‌نظر بود.

۱۸. علی اشرف‌احمدی به معاون اداری و معاون دائم کابینه منوچهر اقبال و وزیر مشاور و معاون کابینه اول جعفر شریف‌امامی. وی در چهار دوره (چهارم تا هفتم) سناتور انتخابی و انتصابی مجلس سنا بود. از نزدیکان شریف‌امامی بود و مدتی هم قائم‌مقام بنیاد پهلوی گردید. در سال ۱۳۵۵ درگذشت.

۱۹. سرلشکر حسن اخوی؛ فارغ‌التحصیل دانشکده افسری، دارای مشاغل مختلف نظامی، رئیس کل اداره جنگلبانی. در سال ۱۳۳۶ به عنوان وزیر کشاورزی در کابینه منوچهر اقبال مشغول به کار شد. دو سال و نیم دوام آورد ولی به علت ناکامی در تنظیم قانون اصلاحات ارضی برکنار گردید.



مجریان نظامی اصلاحات ارضی: از چپ: اسماعیل ریاحی و عبدالعظیم ولیدان | ۲۰۴-۱۱۳۳را

تبصره‌های مکرر است و تعیین تکلیف مردم را در دست هیئتها و یا کمیته‌هایی که در آینده باید تشکیل شوند می‌گذارد صحیح نیست. در تمام ایران باید مردم تکلیف خود را بلافاصله پس از وضع این قانون بدانند و حتی‌الامکان با مأمورین دولتی کمتر تماس داشته باشند؛

۳) مصادره اموال ملاکین صحیح نیست؛ املاک کسانی را که از حد نصاب، زمین زیادتری دارند باید با نرخ عادلانه آن خریداری نمود. به نظر این‌جانب اقساط ده‌ساله و ۶٪ سود صحیح به نظر می‌رسد و با همین شرایط هم می‌شود املاک را به کشاورزان واگذار نمود؛

۴) مالیاتهای تصاعدی بزرگ‌ترین حربه‌ای می‌باشد که خود مشوق تحدید املاک خواهد بود؛ اگر در حال حاضر مالیات املاک مزروعی خوب وصول نمی‌شود این ربطی به حقیقت این مطلب ندارد؛ دولت باید با وضع قوانین مالیاتی مناسب که به طریق تصاعدی باشد از صاحبان املاک بزرگ مالیات بیشتری دریافت نماید؛

۵) صاحبان اراضی را باید مکلف نمود که طبق دستورات معین به حال کشاورزان خود برسند و برای آنها خانه، حمام، مدرسه و سایر احتیاجات لازم را تهیه نمایند و مثل کارگرانی که تحت شرایطی در پناه قانون کار می‌باشند؛ کشاورزان هم تکلیفشان معلوم شود.

اینک نکاتی که در متن به نظر این‌جانب رسیده است:

مربوط به ماده اول

۱) کشاورزی عبارت است از عملیات مربوط به تولید و پرورش انواع گیاه‌ها، درختها، دامها و پرندگان؛ و محافظت آن از انواع آفات؛ و جمع‌آوری و مورد استفاده قرار دادن کلیه فرآورده‌های زراعتی و دامی؛

۴) زارع عبارت از کسی است که مالک زمین و آب نباشد و در زمینی متعلق به دیگری کار کند و سهمی از محصول در مقابل زحمت و کار به او تعلق گیرد؛

۵) خانواده - عبارت است از زن و شوهر و فرزندان غیر متأهلی که با هم در یک جا زندگی می‌کنند. ممکن است پدر پیر یا برادر علیل و خواهر بی‌شوهر نیز جزو خانواده محسوب شوند، و فرزندان بالغ غیرمتأهل، بنا به میل خود، از خانواده جدا شوند. (ولی اساساً تعریف خانواده ضرورتی ندارد)؛

۷) منظور از فقره ۷ معلوم نیست و ضرورتی برای آن به نظر نمی‌رسد؛

۱۹) مقصود از بهره‌برداری زمین بیکار نگذاشتن آن به مقتضای شرایط طبیعی و محلی و تولید محصولات نباتی یا دامی از راه کاشت، داشت و برداشت است؛
۲۰) با مواد بعد، جزء بیست زائد و غیرصحیح است؛ زیرا وقتی دولت اراضی را بین کشاورزان تقسیم بکند دیگر اطلاق ملی شدن اراضی به آن درست نیست.

امربوط به ماده دوم

حداکثر مالکیت زمین مزروعی آبی برای هر کشاورز در کشور برای کشت غلات دویست هکتار زمین می‌باشد و مساوی آن ارا| برای آیش زمین می‌توانند در اختیار داشته باشد که صیفی‌کاری را در زمین آیش انجام دهد، و حداکثر زمین دیمی که مجاز است در اختیار یک کشاورز باشد ششصد هکتار است.

یک کشاورز می‌تواند زمین آبی و دیم در اختیار داشته باشد در این صورت نسبت آن از تناسب ارقام فوق نباید تجاوز کند؛ مثلاً اگر مالکی صد هکتار زمین آبی برای کشت غلات دارد، که صد هکتار هم زمین آیش خواهد داشت، می‌تواند سیصد هکتار هم زمین دیم داشته باشد.

تبصره یک زائد است.

تبصره ۲- اراضی وقف بر اولاد، مشمول این ماده می‌باشد، و اگر مازادی به هر یک از اولاد برسد طبق این قانون به آن عمل خواهد شد.

تبصره ۳- با وجود تشویقی که برای احداث باغ در این قانون شده نقض غرض است و لازم نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* * *

صفحه ۷ تبصره ۲ بند ۷ ماده ۳- اشخاصی یا شرکتهائی که طبق بند ۷ ماده ۳ مبادرت به عمران اراضی می‌کنند یا پس از انحلال شرکت صاحب مقداری زمین می‌شوند یا قبل از تصویب این قانون موجب آبادی و عمران آن زمین شده‌اند تا زمانی که اراضی را با ماشین و کارگر کشاورزی اداره کنند می‌توانند تا حد نصاب بقیه در بند ۷ مالک باشند؛ ولی در صورتی که زراعت آنها به صورت ارباب رعیتی اداره شود مشمول حد نصاب ماده ۲ این قانون خواهد بود.

بند ۹- املاک مزروعی که پس از تقدیم این لایحه به مجلس وقف عام‌المنفعه می‌شوند به شرطی مشمول حد نصاب این قانون نخواهد بود که دولت در اداره و

مصرف وجوه حاصله دخالت و نظارت داشته و با ماشین و کارگر کشاورزی اداره شود. (۱۰) در مورد اراضی بایر خوزستان، که طبق قوانین مخصوصی برای احیاء در اختیار اشخاص گذارده شده یا به ملکیت قطعی آنها درآمده و همچنین خالصجاتی که طبق قانون به اشخاص فروخته شده در صورتی که آب به مقدار احتیاج تهیه کرده باشند می‌توانند از حد نصاب بند ۷ ماده ۳ این قانون استفاده کنند.

مربوط به ماده اول

(۱۱) هر کشاورزی که برای زمینهای دیم و بایر آب تهیه کند می‌تواند از حد نصاب بند ۷ ماده ۳ این قانون استفاده کند.

فصل سوم - مقررات مربوط به اراضی فوق حدنصاب مالکین کنونی یا اراضی بایر و مجهول‌المالک؛

ماده پنجم) اراضی [ای] که بنا به مقررات این قانون برای تقسیم بین کشاورزان در اختیار دولت قرار می‌گیرد عبارت است از:

الف - اراضی مجهول‌الملک؛

ب - اراضی حاصله از خشک کردن ... (و غیره همان‌طور که نوشته شد)؛

ج - زمینهایی که بنا به مقررات ماده ۳ و ماده ۱۶ این قانون با پرداخت بها در اختیار دولت قرار می‌گیرد؛

د - بدون تغییر؛

ه - بدون تغییر؛

و - بدون تغییر؛

ز - بدون تغییر؛

ح - ؟

تبصره ۳: اراضی [ای] که طبق رسیدگی و تشخیص وزارت کشاورزی از زمینهای مزروع بیکار و لم‌یزرع می‌ماند در سال اول و دوم جریمه‌ای معادل نصف آنچه بهره آن زمین در صورت کشت و زرع عاید شده به کشاورز مالک آن تعلق می‌گیرد و اگر این عدم کشت سال سوم برسد مشمول مقررات مربوط به اراضی بایر خواهد بود و هیئت عالی اختلافات اراضی می‌تواند آن زمین را به کشاورز دیگری به بهای مناسب واگذار کند.

[نظر انتقادی هوشنگ رام درباره برخی از بندهای قانون اصلاحات ارضی]

بانک عمران و تعاون روستایی

تاریخ: ۳۸/۹/۱۵

شماره: ۱۴۴

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه:

لایحه اصلاحات ارضی که از طرف وزارت کشاورزی تهیه گردیده، به دقت مورد مطالعه قرار گرفت. در زمانی که آقای سرلشکر اخوی وزیرپیشین کشاورزی این لایحه را تهیه نمودند چاکر نظریات خود را مشروحاً به اطلاع ایشان رساند و اکثر مورد قبول واقع گردید. در لایحه اخیر بعضی از مواد لایحه قبلی تغییر یافته و نکاتی به نظر رسید که قابل توجه است:

اول - مواد مربوط به دامداری و مراتع از لایحه اخیر حذف گردیده است. مسئله دامداری در سالهای آینده یکی از مشکلات کشور خواهد بود؛ زیرا با ازدیاد مصرف مردم و ازدیاد جمعیت طبعاً احتیاج بیشتری به گوشت و مواد شیری پیدا خواهد شد؛ و از طرفی، قسمتی از مراتع نیز تبدیل به اراضی قابل زراعت می شود و ناچار سطح کمتری از مراتع عمومی برای چرا آماده خواهد بود. لاعلاج، باید علوفه در دهات فراهم شود. بنابراین، جا دارد وزارت کشاورزی مشکل مراتع و تشویق دامداری را هم اکنون در نظر داشته باشند.

دوم - تعیین و تشخیص حد نصاب زمینداری در هر یک از مناطق کشور و رسیدگیهای مربوط به کیفیت و کمیت زمین به عهده هیئت عالی اصلاحات ارضی گذاشته شده است؛ اعضای هیئت عالی اصلاحات ارضی آقایان وزرا می باشند و آنها هم به علت مشغله فراوان طبعاً وقت رسیدگی دائم را نخواهند داشت. در نتیجه، عده ای را برای این کار انتخاب خواهند نمود که با مردم تماس خواهند داشت. خیلی بهتر بود این تماس کمتر بشود و تکلیف مردم از تاریخ تصویب این لایحه معلوم باشد.

سوم - در ماده ۴ اجازه داده شده است که مستأجرین دهاتی که از طریق زراعت مکانیزه و به وسیله کارگر کشاورزی کار می کنند زمین مالک را طبق مواد ۱۳ و ۱۴ خریداری نمایند؛ چرا خود مالک که ذیحق تر است نتواند طبق همین شرایط ملک خود



ولیان ده سال بر اجرای اصلاحات ارضی نظارتی مستقیم داشت. [۳۶۸۷-۱۱ع]

را تملک نماید و این حق را به مستأجر داده‌اند؟ این ماده صحیح به نظر نمی‌رسد. شاید عبارت این ماده خوب تنظیم نگردیده و معنی دیگری را در نظر داشته‌اند.

چهارم - در بند ۱۰ از ماده ۳ در مورد اراضی خوزستان گفته می‌شود به میزان زراعت آبی زیرکشت، اراضی آن منطقه به ملکیت آنها باقی می‌ماند؛ یعنی مشمول حدنصاب نیست؛ چرا باید خوزستان مشمول حدنصاب نباشد ولی مثلاً بلوچستان باشد؛ یعنی اگر کسی در سایر نقاط کشور با شرائط سخت‌تری آب تهیه نموده و زحمت کشیده باید حد نصاب مشمول او بشود ولی در خوزستان که زمین را ارزان از دولت گرفته و از رودخانه آب فراوان به راحتی تهیه می‌کند حد نصاب نباشد.

پنجم - صحیح است که با اجرای این قانون قسمتی از زمینهایی که درحال حاضر

خوب اداره نمی‌شود به ملکیت کشاورزان خورده مالک درخواهد آمد و برای طبقه مالکین هم تعیین تکلیف می‌شود، ولی روی هم‌رفته روابط مالک و رعیت کماکان مجمل می‌ماند و در زندگی اکثریت کشاورزان تغییر و بهبودی حاصل نخواهد گردید و این قانون اصلاحات اساسی و دامنه‌داری را که مطمع نظر این آب‌وخاک است کاملاً فراهم نمی‌سازد؛ زیرا آن‌طوری که جان‌نثار استنباط می‌کند، منظور نهایی از اجرای قانون اصلاحات ارضی دوجیز بود: اول بهبود وضع کشاورزان کشور که از فقر و مسکنت نجات پیدا کنند، دوم کمک به توسعه کشاورزی و ازدیاد سطح تولید کشور؛ و در هر دو مورد مواد قانونی تهیه شده کافی نیست.

گزارش پیوست در تاریخ ۳۸/۱۰/۶ به طور خصوصی و محرمانه جهت جناب آقای هیرادر رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال گردیده است. [۳۵۶۲۲ تا ۳۵۶۲۲]

[۳]

[تلگراف حسن ارسنجانی و جواب آن از سوی آیت‌الله گلپایگانی درباره اصلاحات ارضی]

۲۶۷

۱۳۴۰-۱۲-۱۶

تهران - قم - ۳۹۱ ک ۳۷ ت ۱۲/۱۶

حضور مقدس حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای آسید محمدرضا گلپایگانی؛ به مناسبت حلول روز عید فطر تبریکات صمیمانه خود را تقدیم می‌نمایم و با توجهی که حضرت [حضرات] آقایان علماء دین به حفظ حقوق عامه مسلمین در اجرای عدالت اسلامی و زمیندار شدن زارعین مبذول فرموده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم و توفیقات حضرت مستطاب عالی را در حفظ اصل و فروع شریعت مطهر اسلامی از خداوند مسئلت دارم و امیدوارم از دعای خیر این جانب را محروم نفرمایید.
دکتر ارسنجانی،^{۲۱} وزیر کشاورزی

* * *

۲۰. در اصل «حساب»

۲۱. دکتر حسن ارسنجانی؛ متولد ۱۳۰۰، نویسنده و وکیل دادگستری. از دوستان و طرفداران نزدیک قوام بود. روزنامه دارباز را منتشر می‌کرد. اعتقادات تند و تیزی برای رسیدگی به وضع کشاورزان و کارگران داشت. در سال ۱۳۴۰ در کابینه دکتر امینی برای اجرای اصلاحات ارضی به وزارت کشاورزی گمارده شد. این وزارت تا کابینه اسدالله علم به طول انجامید ولی اندکی بعد برکنار و سفیر ایران در ایتالیا شد. در سال ۱۳۴۸ درگذشت.

جناب آقای قدس نخعی نایب نخست‌وزیر دام اجلاله:

آقای دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی تلگرافی به حقیر به نام تبریک عید سعید فطر مخابره کرده و در آن از توجه علماء اعلام در مورد زمیندار شدن زارعین اظهار تشکر نموده است. علاوه بر آنکه از طرف علماء با قانون اصلاحات ارضی اظهار موافقتی نشده و هر قانونی که برخلاف احکام مقدسه دین مبین اسلام باشد لغو و بلااثر است؛ چون از یک نفر که خود را به عنوان وزیر معرفی می‌کند چنین تهمت بی‌اساسی، آن هم به مقام حجج اسلام، موهن و تحریک‌آمیز است و جز به ناچار ساختن علماء در اظهار مخالفت تعبیر دیگری ندارد، مقتضی است ایشان را به آثار نامطلوب این حرکات، آن هم در غیاب جناب آقای نخست‌وزیر، متوجه نموده و در رفع این ابهام از ساحت علماء اعلام اقدام فرمایید. [از طرف] آیت‌الله

[۴۷۰۸۶]

[۴]

۲۶۸

گزارشی درباره نفوذ افراد بدنام در وزارت کشاورزی

مستقیم و محرمانه

۴۲/۱/۱۴

تیمسار معظم سیهید ریاحی^{۲۳} وزیر محترم کشاورزی:

محترماً به عرض می‌رسانند: در این موقع که حسب‌الامر شاهنشاه محبوب ادامه

۲۲. حسین قدس‌نخعی؛ بیشتر دوران خدمت اداری وی در وزارت خارجه بود و مناصبی چون ریاست اداره سوم سیاسی، معاون وزارت خارجه و سفیرگیری ایران در عراق، ژاپن، انگلیس و آمریکا در آن دیده می‌شود. وی در شهریور ۱۳۳۹ وزیر خارجه کابینه شریف‌امامی بود که این منصب تا یک سال بعد در کابینه علی امینی نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۴۲ به جای حسین علاء به مدت سه سال وزیر دربار بود.

۲۳. سیهید اسماعیل ریاحی؛ فارغ‌التحصیل دانشکده افسری، طی کردن مراحل مختلف نظامی. بعد از تصمیم شاه مبنی بر جدی شدن اصلاحات ارضی و پیش بردن آن با قدرت نظامی به سخت وزارت کشاورزی کابینه اسدالله علم به جای حسین ارسنجانی منصوب شد. وی از اسفند سال ۴۱ تا شهریور ۴۶ عهده‌دار این سمت بود. مدتی سفیر ایران در هلند و تا سال ۵۷ مدیرعامل شرکت شیلات بود.

اجرای اصل اول و دوم قانون اساسی ملی ایران، یعنی برنامه اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگلها، به دست باکفایت آن تیمسار مقتدر و دانشمند سپرده شد، هر ایرانی شاهدوست و وطنپرست و وظیفه دارد که در راه اجرای برنامه‌های تحول اجتماعی شاهنشاه فداکاری و با آن جناب کمک نمایند؛ لہذا این جانب، با این نیت خیر، حقایقی را به عرض می‌رسانم:

تصدیق می‌فرمایند که توفیق در اجرای نیت شاهنشاه در درجه اول بستگی به مأمورین و مجریان با ایمان و خوشنام دارد و اگر بنا باشد اشخاص بدنام و کسانی که سابقه مخالفت [با] برنامه‌های اصلاحی شاهنشاه دارند در بین مجریان فعلی راه یابند علاوه بر آلوده کردن دستگاه موجب یأس و بدبینی سایرین خواهند شد.

متأسفانه شنیده می‌شود که یکی از عناصر بدنام و منحرف وزارت کشاورزی که سوابق ننگین او زیانزد خاص و عام و موجب سرشکستگی طبقه تحصیل کرده است فرصت را مناسب تشخیص داده و با تشبث به افراد و مقامات مختلف می‌خواهد در زمان وزارت شما خود را به دستگاه تحمیل نماید. این شخص مهندس ناصر گل‌سرخ^{۲۴} مدیرکل سابق ترویج است که سه و چهار سال قبل با دست عناصری مثل خودش، بدون اینکه درجات اداری را طی کند، از کارمندی سابق در پشت میز مدیرکلی حساس‌ترین و آبرومندترین مؤسسات وزارت کشاورزی، یعنی سازمان ترویج، قرار گرفت؛ و در دستگاهی که به مناسبت اشتغال صدها نفر زن و دختر مروج خانه‌داری می‌باید مظهر تقوی و نمونه عفت و پاکدامنی باشد مرتکب اعمالی شد که لکه ننگ آن، سالها از دامان این دستگاه زایل نخواهد شد. علاوه بر بی‌عفتی و زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات، خودسرانه هر کاری خواست انجام داد تا جایی که پس از روی کار آمدن وزیر سابق کشاورزی، جناب آقای دکتر ارسنجانلی، چون با قانون اصلاحات ارضی شاهنشاه مخالف بود بنای تحریک و توطئه را گذاشت به طوری که اطلاعات محرمانه و مذاکراتی را که در جلسات سری صورت می‌گرفت به مقامات خارجی اطلاع می‌داد و با مالکین و مخالفین اصلاحات ارضی، که مشغول تحریک بودند، ارتباط مستقیم داشت و اطلاعات را به آنها می‌رساند تا جایی که وزیر کشاورزی دسائس و توطئه‌های او را کشف کرد و

۲۴. فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی از آمریکا، چندی در اصل ۴ شاغل بود و سپس وارد وزارت کشاورزی شد و سلسله مراتب اداری را به سرعت طی کرد به طوری که پس از مدتی از مدیرکلی ترویج به معاونت وزارت کشاورزی رسید. پس از تقسیم وزارت کشاورزی در کابینه هویدا به چهار وزارت کشاورزی به منابع طبیعی، اصلاحات ارضی و تولیدات کشاورزی به مدت چهار سال یعنی از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ به وزارت منابع طبیعی منصوب شد، در زمان وزارت وی بسیاری از جنگلهای شمال بین سران نظام پهلوی تقسیم شد.

اعمال خائنانه او را طی حکم رسمی به او ابلاغ کرده و او را از وزارت کشاورزی بیرون نمود و تا آخرین روز، اخراج این عناصر را یکی از افتخارات خود می‌شمرد به نحوی که در موقع استعفای کابینه جناب آقای دکتر امینی، هنگامی که برای تودیع با کارمندان وزارت کشاورزی حضور یافت درباره این شخص مطالبی گفت و پرده از روی اعمال ناپسندی برداشت که حاضرین در بهت و حیرت فرو رفتند؛ ولی باز [با] کمک همان عناصر در کانون شکار ایران به اسم اینکه مدیر مجله کانون شکار است با حقوق گزافی مشغول کار شد و به تحریرکات وطن‌فروشی ادامه داد.

حالا که میدان را خالی دیده چند روزی است مشغول دادن پارتی و برقراری مجالس شب‌نشینی شده و افراد مختلف را دعوت می‌نماید و می‌خواهد با وسایلی، حتی به وسیله اشخاص خوشنام و بینظر که از سوابق او اطلاع ندارند، خودش را به جناب عالی نزدیک و به دستگاه وارد شود. شک نیست جناب عالی که به حسن تشخیص و بینظری معروف هستید تحت تأثیر هیچ قدرت ناحقی قرار نخواهید گرفت؛ ولی چون ممکن است حقایق را طور دیگر جلوه دهد بهتر است جناب عالی سوابق او را تحقیق و مطالعه کنید و اگر تشخیص دادید گزارش فوق درست است اجازه ندهید در زمان وزارت شما دستگاه آلوده شود. و اگر نامبرده نظر سویی ندارد بهتر است با حقوقی که فعلاً در کانون شکار می‌گیرد و از حقوق وزارت او بیشتر است در همانجا مشغول باشد و به وزارت کشاورزی کاری نداشته باشد. این چند کلمه محض روشن شدن ذهن آن تیمسار معظم گزارش گردید.

با تقدیم احترامات فائقه، حسین صالح‌پور اردکانی
[در حاشیه:] آقای صالح‌پور را برای ادای توضیحات بیشتر احضار کنید. [۷۲۳۶۸]

[۱۵]

[درخواست انتقال ولیان از ساواک به سازمان اصلاحات ارضی]

تاریخ: ۴۳/۱۱/۱۱

شماره: ۴۴۴۵

وزارت کشاورزی

دفتر وزیر

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور،^{۲۵}

۲۵. در این زمان نعمت‌الله نصیری جدیداً به جای حسن پاکروان به این سمت منصوب شده بود.

به فرمان مطاع شاهانه سرکار سرهنگ عبدالعظیم ولیان^{۲۶} افسر مأمور به آن سازمان، که طی مدت ۲۰ ماه گذشته، ضمن حفظ شغل و سمت خود، در آن سازمان به سمت مدیرکل بازرسی و نظارت این وزارتخانه نیز انجام وظیفه می نمود به سمت رئیس سازمان اصلاحات ارضی کل کشور منصوب و حکم لازم نیز از طرف این وزارتخانه صادر گردید علیهذا، با اعلام اینکه سنگینی وظایف محوله به سازمان اصلاحات ارضی کل کشور به حدی است که دیگر افسر نامبرده قادر به انجام وظائف محوله به خوبی در آن سازمان نخواهد بود، خواهشمند است مقرر فرمایید ترتیبی داده شود مادام که مشارالیه در این سمت انجام وظیفه خواهد نمود از انجام وظایف فعلی خود در ساواک معاف و به صورت افسر مأمور از سازمان امنیت در سمت جدید انجام وظیفه نماید، و نتیجه اقدامات محوله را به این وزارتخانه اعلام فرمایید. وزیرکشاورزی، سپهبد ریاحی [۱۶-۳۲۳-۷۵۴و]

[۶]

[محول شدن تقسیم و فروش املاک خالصه بر عهده عبدالعظیم ولیان]

وزارت کشاورزی

سازمان اصلاحات ارضی

شماره: ۳۶۳۵۴

تاریخ: ۱۳۴۳/۱۱/۱۹

آقای سرهنگ دکتر عبدالعظیم ولیان رئیس سازمان اصلاحات ارضی کل کشور و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بنگاه خالصجات،
به موجب این حکم انجام کلیه امور تقسیم و فروش خالصجات، طبق قانون فروش

۲۶. عبدالعظیم ولیان؛ فارغ التحصیل دانشکده افسری و دانشکده حقوق دانشگاه تهران. طی مراحل مختلف نظامی و از جمله حضور در ساواک. در سال ۱۳۴۱ با درجه سرهنگی از ساواک به وزارت کشاورزی مأمور شد و به ریاست حوزه بازرسی و سپس ریاست سازمان اصلاحات ارضی منصوب گردید. پس از ۵ سال قرار گرفتن زیر سایه سپهبد ریاحی با تفکیک وظایف وزارت کشاورزی به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی رسید (از سال ۴۶ تا ۵۰) و از سال ۵۰ تا ۵۳ وزیر تعاون و امور روستاها شد. در زمان وی مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی اجرا شد. از سال ۵۳ به استانداری خراسان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی رسید. پس از پیروزی انقلاب متوازی شد و به سال ۷۳ درگذشت.

خالصجات و آئین‌نامه‌های مربوطه، به عهده شما محول، و ضمناً اجازه داده می‌شود نسبت به هزینه‌های اجرائی با رعایت بودجه مصوبه دستور پرداخت صادر و در صورت لزوم، از لحاظ تقسیم کار، وظایف مذکور را به اعضای هیئت مدیره بنگاه خالصجات یا سایر اشخاص ذیصلاحیت واگذار نمایید.

وزیر کشاورزی^{۲۷}

[۱۸-۳۲۳-۷۵۴و]

[۷]

[ابلاغ دریافت نشان درجه یک اصلاحات ارضی به ولیان]

وزارت کشاورزی

دفتر وزیر

جناب آقای دکتر ولیان معاون وزارت کشاورزی و سرپرست سازمان اصلاحات ارضی کل کشور، اکنون که به فرمان مطاع شاهنشاه آریامهر، بنا بر استدعای وزارت کشاورزی به استناد ماده آئین‌نامه نشان و مدال اصلاحات ارضی به دریافت یک قطعه نشان درجه یک اصلاحات ارضی مفتخر گردیده‌اید، ضمن ارسال نشان مصوبه، موفقیت آن جناب را در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر و خدمت به میهن عزیز مسئلت می‌نمایم.

فرمان نشان مذکور پس از توشیح ذات مبارک شاهانه متعاقباً ایفاد خواهد شد. وزیر کشاورزی

[۲۲-۳۲۳-۷۵۴و]

۲۷۲

[۸]

[اجازه هویدا به ولیان برای امضای نامه‌های سازمان اصلاحات ارضی به جای وزیر کشاورزی]

نخست‌وزیر

شماره: ۱۲۲۵۲

تاریخ: ۱۳۴۶/۷/۲

جناب آقای دکتر ولیان معاون کشاورزی و سرپرست سازمان اصلاحات ارضی کل کشور، اجازه داده می‌شود نامه‌های مربوط به سازمان اصلاحات ارضی را به جای وزیر



شاه رودرروی ولایت به آینده اصلاحات ارضی می‌اندیشید! | ۳۱۳۶-۳۱۳۷ [۷۵۴]

کشاورزی امضا نموده و در موارد لزوم دستورات و اجازات لازم را صادر نماید.

نخست‌وزیر

[۲۵-۳۲۳-۷۵۴و]

[۹]

[درخواست انتقال کامل ولیان از ساواک به وزارت اصلاحات ارضی]

نخست‌وزیر

تیمسار سپهبد نصیری ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور،

خواهشمند است دستور فرمایند، به همان ترتیب که توافق شده است، جناب آقای

عبدالعظیم ولیان وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی را به نخست‌وزیری منتقل و

امیرعباس هویدا

نتیجه را اعلام فرمایند.

[۲۶-۳۲۳-۷۵۴و]

۲۷۴

[۱۰]

[اطلاعیه در خصوص احتمال ایجاد بلوا بر ضد اصلاحات ارضی در ایام محرم و صفر]

وزارت کشاورزی

سازمان اصلاحات ارضی

اداره کل کشاورزی

طبق گزارشاتی که از منابع موثق رسیده، یک عده عناصر اخلاک‌گر در لباسهای مختلف در نظر دارند که با استفاده از روزهای مقدس محرم و صفر دست به تحریکات و تبلیغاتی بر علیه قانون اصلاحات ارضی و مواد ششگانه مصوبه ملی بزنند. علی‌هذا، مأمورین بایستی کاملاً هشیار باشند تا چنانچه هرگونه تبلیغی برخلاف موازین قانونی انجام گرفت بلافاصله جریان را به مقامات تأمینی اطلاع و مراتب را به مرکز گزارش نمایند.

آنچه مسلم است زحمتی که اکنون مأمورین اصلاحات ارضی برای اجرای قانون متحمل می‌شوند نبایستی دستخوش توطئه اشخاص بدخواه شود و مراتب و بیداری مأمورین اصلاحات ارضی و مروجین کشاورزی تأثیر بسزایی در نقش برآب کردن

این توطئه خواهد داشت.

دستور فرمایید مراتب مشروحه فوق را به ترتیب مقتضی به فرد فرد مأمورین ترویج و اصلاحات ارضی، که در دهات مأموریت دارند، ابلاغ و وصول این دستور را گزارش نمایند.

وزیر کشاورزی

[۲۰-۳۲۳-۷۵۴ و]

[۱۱]

[نامه تشکر آمیز خانم لمبتن از کمکهای اسماعیل ریاحی به وی]

۱۵ سپتامبر ۱۹۶۶

آقای محترم، از اینکه متأسفانه پیش از آنکه تهران را ترک گویم موفق نشدم دوباره خدمت سرکار برسم لازم دیدم نامه خدمتتان تقدیم کنم و بدین وسیله از الطاف و مراحم سرکار [بابت] آن همه وسایل که برای مسافرت و مطالعات من فراهم فرموده بودید اظهار تشکر و امتنان کنم. این مسافرت برای من بسیار جالب و مفید بود و از آن خاطرات خوبی دارم. امیدوارم که در آینده هم پیشرفت برنامه اصلاحات ارضی ادامه داشته باشد؛ و همیشه کامیاب و موفق باشید. با تقدیم مراتب سپاسگزاری و احترام،
ا.ک.س. لمبتن^{۲۸}

[۵۹۶۶۷]

۲۷۵

[۱۲]

[نامه دکتر دنمن درباره تشکیل سمیناری با همکاری فائو و ایران]

۲۹

۱۰ سپتامبر ۱۹۷۰

جناب آقای دکتر ولیان، وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی،

on nn rin n or

مأمور اطلاعاتی و سیاسی انگلیس در ایران و نویسنده کتاب معروف مالک و زارع در ایران.

۲۹. دانشگاه کمبریج، گروه اقتصاد زراعی

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی

تهران، ایران

دکتر ولیان عزیز،

همان‌طور که در آخرین ملاقاتمان قرار گذاشته بودیم، من هفته گذشته از محل فائو در رم بازدید کردم و با دکتر کریستودولو^{۳۰} پیشنهاد کنفرانس بین‌المللی دربارهٔ اصلاحات ارضی مبتنی بر مرکز تحقیقات روستایی وزارتخانه شما را با میزبانی کشورتان مطرح کردم.

سخنان دکتر کریستودولو بسیار دلگرم کننده بود. فائو از برنامه عمران سازمان ملل رسماً تقاضای بودجه و حمایت همه‌جانبه برای این پروژه کرده است. مسئولان برنامه عمران سازمان ملل خواهان شواهدی از دولتهای شرکت کننده احتمالی در خاورمیانه و منطقه آسیا هستند. در فاصله دیدار نخست من و مکاتبه رسمی جناب‌عالی، فائو با برخی از دولتهای مایل به شرکت، تماس برقرار نمود و شواهدی که برنامه عمران سازمان ملل خواهان آن بود به دست آمد. بنابراین، مقامات برنامه عمران سازمان ملل اکنون در حال بررسی این پیشنهاد در کنار پیشنهادهای دیگر هستند.

اگر پیشنهاد کنفرانس بین‌المللی مربوط به ایران پذیرفته شود، پول تأمین هزینه‌های اصلی آماده شد و لازم است فائو جزئیات منابع لازم، برنامه و تمام مقدمات را فراهم سازد.

دکتر کریستودولو پیشنهاد کرد که اگر امور مربوط به کنفرانس به خوبی پیش برود، تاریخ برگزاری آن اوایل پاییز ۱۹۷۱، و پیش از کنفرانس فائو که در اوایل نوامبر تشکیل می‌شود، خواهد بود. اگر کنفرانس در اوایل پاییز ۱۹۷۱ برگزار شود از گزارشی که در بهار ۱۹۷۱ کمیسیون جدید اصلاحات کشاورزی ارائه می‌دهد، بهره‌مند خواهد شد. این کمیسیون جهت بررسی تمام کارهای انجام شده در دنیا در زمینه اصلاحات ارضی در سطح وزرا تشکیل شده است؛ همان کمیسیونی است که فکر می‌کنم از شما دعوت شده تا عضو آن شوید. به امید دیدار و گفت‌وگو در خصوص کنفرانس و موضوعات مربوط به آن در ملاقات ماه آینده.



رضایت کامل محمدرضا پهلوی از ولایت | ۱۳۳۱-۳۱۳۲ هجری قمری

همراه با این نامه، سه نسخه از نشریه آگریکالچر^{۳۱} را که بخش دوم مقاله من در مورد اصلاحات ارضی ایران در آن درج شده، برایتان فرستادم.

اردمند،

دی. آر. دنمن^{۳۲}

[۳۸-۳۲۳-۷۵۴و]

[۱۳]

[دعوت ویلیام وارن از ولیان برای بازدید از سازمانهای کشاورزی آمریکا]

۳۳

ons n

۲۱ فوریه ۱۹۷۱

جناب آقای عبدالعظیم ولیان، وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی
وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، تهران، ایران

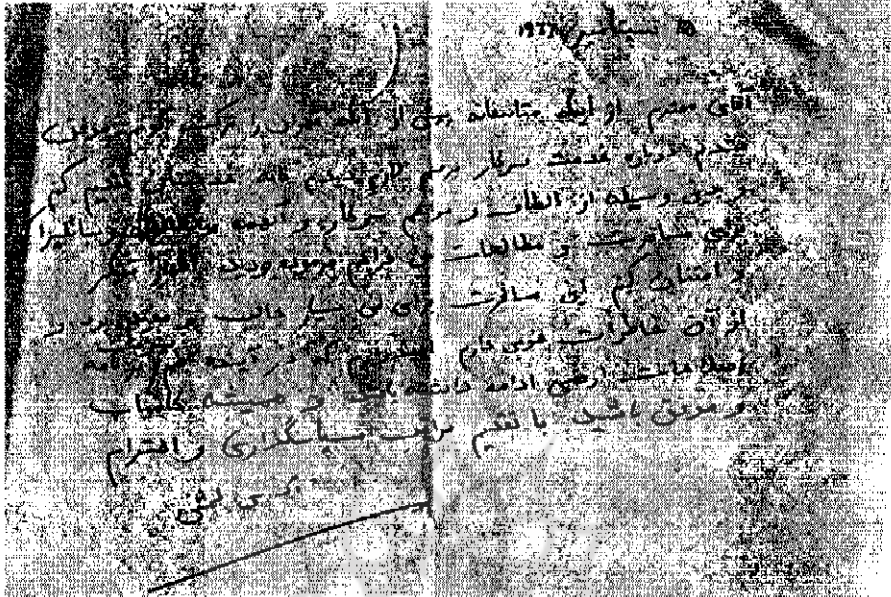
۲۷۸

کشاورزی re ri

en n

پروفسور دنمن استاد اقتصاد ارضی و رئیس دپارتمان اقتصاد ارضی دانشگاه کیمبریج. وی به مدت پنج سال یعنی از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ با وزارت تعاون و امور روستایی ایران و نیز با مرکز تحقیقاتی که از طرف دولت ایران برای مطالعه در امر اصلاحات ارضی و نهضت تعاون و سایر مسائل زندگی روستایی و توسعه در ایران و سایر کشورها به وجود آمد همکاری نزدیک داشته است. وی نویسنده کتاب چشم‌انداز پادشاه است که به وسیله محمود مصاحب در سال ۱۳۵۳ ترجمه شد و به وسیله مؤسسه انتشارات آیندگان به چنان رسیده است. این کتاب در سال انتشار به صورت مجانی برای افراد مختلف ارسال شده است. اریک هوگلاند نویسنده کتاب زمین و انقلاب در ایران درباره کتاب دکتر دنمن می‌نویسد: بیش از هر چیز مدیحه‌سرایی چاپلوسانه‌ای برای شاه است و بی‌هیچ تفسیر بیشتر می‌توان کنارش نهاد. اریک ج. هوگلاند. زمین و انقلاب در ایران. فیروزه مهاجر. تهران، شیراز، ۱۳۸۱. ص ۱۰.

۳۳. ویلیام ای. وارن (مشاور) توسعه منابع آبی / تنظیم و ارزیابی پروژه / سازماندهی و مدیریت نمایندگی ویلیام وارن مسئول اجرای اصل چهارم در ایران بود. بعدها رو به سوی کارهای آزاد آورد و به خاطر ارتباط نزدیکش با سران ایران و از جمله اردشیر زاهدی که خود کارمند اصل چهارم بود پروژه‌های فراوان اقتصادی در ایران به دست آورد.



آقای وزیر عزیزم،

دیدار شما در روز یکشنبه و حصول اطلاع از توجه و علاقه عمومی روستاییان ایران به گسترش تعاونیهای روستایی موجب خوشنودی فراوان ما گردید. چنانکه می‌دانید، این نهادهای روستایی جدید بسیار مورد علاقه من است. همان‌طور که صحبت کردیم، اگر بتوانند در سال جاری به ایالات متحده بیایند، بسیار خوشحال خواهیم شد که از کالیفرنیا دیدن کنید. من شخصاً می‌توانم یک سفر دست کم دو روزه و ترجیحاً سه روزه ترتیب بدهم؛ در نتیجه شما و من خواهیم توانست برخی از پروژه‌ها، نواحی کشاورزی، مزارع و تعاونیهای فروش، تأسیسات کشاورزی - تجاری و ستادهای برخی از نهادهای روستایی تحت کنترل کشاورزان ما را مشاهده کنیم. من شما را با اتومبیل خودم در لس‌آنجلس یا سان‌فرانسیسکو همراهی خواهم کرد؛ و می‌توانیم سفرمان را در یکی از این دو شهر که با برنامه سفر شما مناسب باشد به پایان برسانیم. اگر مایل باشید، می‌توانم ترتیبی بدهم تا شما با برخی از سازمانهای ما که مایل به

فعالیت در ایران هستند، آشنا بشوید و نیز با برخی از نمایندگان مطبوعات روستایی و مطبوعات کالیفرنیا دیدار کنید.

برای تنظیم بهترین برنامه، دست‌کم، باید از دو هفته قبل مرا در جریان سفر خود قرار دهید. ماه ژوئن زمان بسیار خوبی برای چنین سفری در کالیفرنیاست؛ در غیر این صورت، اگر مایل هستید که در فصل پاییز بیایید، ماه نوامبر را به شما پیشنهاد می‌کنم، زمانی که فصل درو بسیاری از محصولات و سبزیجات است. در صورتی که مایل به دیدار محل خاصی هستید، مرا در جریان بگذارید.

با بهترین درودها و احترامات

ارادتمند،

ویلیام ای. وارن

[۴-۳۲۳-۷۵۴و]

[۱۴]

[نامه تشکر آمیز دنمن از محمدرضا پهلوی به خاطر توجه او به کتابش]

۲۸۰

وزارت تعاون و امور روستاها

۲۲ سپتامبر ۱۹۷۱

اعلیحضرت همایونی، شاهنشاه آریامهر، کاخ سعدآباد

اعلیحضرت‌تا؛

بدینوسیله سپاس قلبی خود را به خاطر اجازه شرفیابی‌ای که دیروز در کاخ به این جانب دادید، ابراز می‌کنم و اظهار می‌دارم که افتخار ملاقات مجدد شما چه قدر برایم ارزشمند بود.

همچنین از توجه شما به متن کتاب چشم‌انداز پادشاه^{۳۴} که من متعهد به نگارش آن به عنوان شرحی اصیل از سیاست حماسی اصلاحات ارضی به رهبری شما و وزرایتان طی بیست سال گذشته، هستم، سپاسگزاری می‌کنم.

بار دیگر اجازه می‌خواهم در صورت امکان به آن اعلیحضرت یا دکتر ولیان درخصوص توسعه سیاست آموزش عالی برای اقتصاد زراعی و مدیریت زراعی در

دانشگاهها توصیه نمایم. برای انجام دادن این امور با کمال خوشنودی در خدمتتان
خواهم بود.

خدمتگزار مطیع آن اعلیحضرت،
دی. آر. دنمن،

استاد اقتصاد زراعی دانشگاه کیمبریج
[۲۶-۳۲۳-۷۵۴ و]

[۱۵]

[تلگراف دنمن در خصوص دریافت حق التألیف کتابش]

اپراتور تهران از ایرنوپ لندن
از: دنمن به نمایندگی از لیستر

(متن اصلاح شده)

نامه‌ای که در آن موضوع کپی رایت چشم‌انداز پادشاه مطرح شده بود، هم اینک دریافت
شد. در این مورد در نامه‌ای به طور مفصل برایتان خواهم نوشت. پرسش من این است
که آیا وزیر کپی رایت کامل را می‌خواهد؛ زیرا در این صورت کتاب به یک اثر رسمی
حکومت ایران تبدیل خواهد شد و این چیزی است که وزیر مایل نبود رخ دهد. در نامه
خود آورده‌ام که او حق انتشار آن را به فارسی خواهد داشت. جزئیات دیگر در نامه
[خواهد آمد]. چکی به مبلغ ۶/۵۰۰ پوند دریافت کرده‌ام که در نامه‌ام به آن هم اشاره
خواهم کرد. هرگز چیزی درباره آن موضوع دیگر، ننشیده‌ام. [۲۶-۳۲۳-۷۵۴ و]

۲۸۱

[۱۶]

[نامه گله آمیز و نقادانه ولیان از گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع
دانشگاهیان و اندیشمندان انقلاب شاه و ملت]

وزارت تعاون و امور روستاها

دفتر وزیر

۵۲/۶/۲۸

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر؛
مفتخراً به شرف عرض پیشگاه مبارک همایونی می‌رساند: به دنبال مطالبی که به

وسیله چاکر در زمینه گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان انقلاب شاه و ملت وسیله جراید و چاپ و منتشر شد، گروه بررسی مسائل ایران روز گذشته توضیحاتی را وسیله جراید چاپ و منتشر نمود که براساس این توضیحات فقط در مورد یکی از نظرات ابراز شده اظهار نظر مثبتی را به عمل آورد؛ و با توجه به این واقعیت تاریخی که فرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در مورد تقسیم املاک مزروعی سلطنتی نخستین کوشش اساسی برای اجرای برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی ایران تلقی می‌شود نه قانون اصلاحات ارضی سال ۱۳۳۹، وعده داده‌اند که در چاپ نهایی گزارش نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند؛ ولی در مورد سایر نظرات چاکر در زمینه اصلاح سایر قسمتهای اساسی ناقص و یا نادرست گزارش چاپ و منتشر شد کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان اظهار نظر مثبت و یا منفی به عمل نیامد؛ و بدین ترتیب اکنون که گروه بررسی مسائل ایران در مقام پاسخگویی به مطالب عنوان شده مطالبی را منتشر نموده، سکوت گروه نامبرده در مورد سایر مطالب عنوان شده، به طور اعم، موجبات سوء تفاهمی را ایجاد [کرده] و به نظر چاکر این امکان وجود دارد که قسمتهای ناقص و یا نادرست گزارش کمیته (به صورت فعلی) مورد استناد احتمالی بدخواهان کشور واقع شود.

از طرف دیگر، گروه بررسی مسائل ایران در توضیحات خود مطالبی را در مورد احتراز از تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی دولتی عنوان نموده که روشن نکردن موضوع در مورد ترتیب تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی ایران به تبعیت از اراده آزاد کشاورزان و براساس ضوابط پیش‌بینی شده در اساسنامه‌های قانونی مربوط، به نوبه خود، موجب ایجاد سوء تفاهمات تازه و امکان برداشت احتمالی مغرضان در جهت تخطئه عنوان شرکتهای تعاونی روستایی خواهد بود.

با عرض مراتب مشروحه فوق، چاکر شرح مجددی را جهت روشن نمودن این مراتب تهیه نموده‌ام که نسخه‌ای از آن به ضمیمه از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر می‌گذرد، تا در صورتی که مورد تصویب اراده سنیه ملوکانه واقع شود نسبت به انتشار آن اقدام و در غیر این صورت به هر نحو که اوامر مطاع شاهنامه شرف صدور یابد اقدام شود.

غلام جان نثار،

ولیان

[در حاشیه:] امر مطاع مبارک صادر شد: گزارش مشروحي بکنید که ما این کارها را کرده‌ایم و بعد هم چه خواهیم کرد بدون این که جواب به آنها باشد. این کار دعوی قلمی مفید فایده نیست. رأساً و مستقلاً اعلام بکنید که چه خواهیم کرد، کافی است.

اسدالله علم

۵۲/۶/۲۸

* * *

وزارت تعاون و امور روستاها

دفتر وزیر

گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت، به دنبال چاپ و انتشار نظرات این جانب در جهت اصلاح و تکمیل بعضی از قسمتهای گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان پیرامون انقلاب شاه و ملت (تا آنجا که با اصول اساسی برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی ایران ارتباط دارد)، توضیحاتی را وسیله تعدادی از جراید پایتخت چاپ و منتشر نموده است، که ضمن اظهار تشکر از انجام این اقدام، نظر به اینکه در توضیحات منتشر شده به جز اظهار نظر مثبت در مورد یکی از مطالب عنوان شده وسیله این جانب، (فرمان تاریخی مورخ هفتم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ شاهنشاه آریامهر در مورد تقسیم املاک مزروعی سلطنتی بین زارعینی که بر روی این اراضی کار می‌کردند باید به عنوان نخستین کوشش اساسی در زمینه اجرای برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی و دست زدن به انقلاب تلقی گردد که چهره اقتصادی و اجتماعی سیاسی ما را تغییر داد، نه به زعم نویسندگان گزارش تصویب اصلاحات ارضی سال ۱۳۳۹) در باره سایر مطالب و نظرات عنوان شده اظهار نظری (اعم از مثبت یا منفی) به عمل نیامده. علی‌هذا، با توجه به ارزش گزارش جامعه خدمتگزار^{۳۵} دانشگاهیان و به منظور جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و فقط در جهت تکمیل و اصلاح بعضی از قسمتهای گزارش کمیته مزبور،^{۳۶} و به خصوص با استفاده از این برداشت بسیار منطقی گروه بررسی مسائل ایران، (در قسمت اخیر توضیحاتی که منتشر شده) به این شرح: «این نوع همکاریها و تبادل نظرها در پیشبرد اجرای اصول انقلاب شاه و ملت بسیار مفید و مؤثر خواهد بود».

۳۵. در اصل «خدمتگذار»، تا آخر همین‌گونه اصلاح شده است.

۳۶. تأکیدهای متن از خود نویسنده سند است.

مجدداً مراتب مشروحه زیر را اعلام می‌دارد:

۱. گروه بررسی مسائل ایران، با توجه به این واقعیت تاریخی که فرمان مورخ هفتم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ شاهنشاه آریامهر در مورد تقسیم املاک مزروعی سلطنتی بین زارعینی که بر روی این اراضی کار می‌کردند باید به عنوان نخستین کوشش اساسی در زمینه اجرای برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی و دست‌زدن به انقلابی تلقی گردد که چهره اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور ما را تغییر داده است، در توضیحات اخیر خود اعلام نموده که: «نویسندگان گزارش به خوبی متوجه به اهمیت اساسی و تاریخی اقدام به تقسیم املاک سلطنتی بوده‌اند و در فصل مربوط به اوضاع اجتماعی و سیاسی قبل از ششم بهمن به آن اشاره کرده‌اند... ولی محل و موقع اشاره به این نکته مهم و اساسی، بستگی به سلیقه نویسندگان داشته است. البته یادآوری وزیر محترم تعاون و امور روستاها بجاست و به آن توجه کامل در چاپ نهایی خواهد شد.»

گویانکه با اعلام این مراتب، نظر این جانب تأمین و با اصلاح گزارش (آنچنانکه وعده داده شده) حق تاریخی مطلب ادا خواهد شد مع الوصف اظهار این عقیده شخصی را ضرور تلقی می‌نماید که اعمال سلیقه نویسندگان گزارش، در انتخاب محل و موقع شرح یک واقعه تاریخی، نمی‌تواند و نباید تا آن حد مورد توجه قرار گیرد که موجبات تحریف احتمالی واقعه تاریخی را فراهم نماید؛

۲. در قسمت سوم توضیحات اخیر گروه مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت اعلام شده که:

«۳. گزارش مورد اشاره یک بحث سیاسی (به معنای وسیع کلمه)، فلسفی و مرامی است نه شرح و سنجش و احیاناً تحلیل و یا انتقادی از تدابیر اجرایی. به همین مناسبت، به هیچ یک از اقدامات سازمانهای اجرایی و آمار و ارقام و نتایج آن اشاره نشده است بلکه کوشش به عمل آمده که در پرتو جدیدترین مطالعات علوم اجتماعی و انسانی و سیاسی، فلسفه و خطوط اصلی اندیشه‌های رئیس مملکت در مورد مسائل جامعه ایران تجزیه و تحلیل و بیان شود. طبیعتاً این گزارش خواهد توانست در آینده معیاری برای سنجش و ارزشیابی اقدامات و تدابیر اجرایی باشد؛ ولی، چنانکه همه می‌دانند، بیست و هشت گزارش فنی و تخصصی نیز در اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان در زمینه مسائل مختلف (از جمله جنبه‌های: اجرایی نهضت تعاون، شرکتهای سهامی زراعی و غیره) تهیه شده و به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم گردیده که بسیاری از نکاتی که وزیر

۲۸۵

WILLIAM WARREN
Director
RURAL RESOURCES ADMINISTRATION / PROJECT FORMULATION AND APPROVAL / AGENCY REGULATION AND ADMINISTRATION

February 21, 1971

His Excellency Abolhasan Vellani
Minister of Land, Reclamation and
Rural Cooperatives
Ministry of Agriculture and
Rural Cooperatives
Tehran, Iran

Dear Mr. Minister:

It was a great pleasure to see you on Sunday and to learn of the very widespread interest among Iranian villagers in the spread of the farm corporation idea. As you know, these new rural institutions interest me very much.

If you could come to the United States this year, as we discussed, I would be most anxious to have you visit California. I, personally, would like to see you at least two days and preferably three, so that you could visit some of our projects, agricultural areas, farms, marketing cooperatives, agribusiness installations and the headquarters of some of our farm-related rural institutions. I would meet you in Sacramento on Sunday and we could end the day with one of these activities according to the convenience of your travel schedule.

If you wanted I could arrange for you to meet some of our organizations that are interested in Iran and perhaps a few representatives of the rural and California press.

I would need at least two weeks notice in order to complete the necessary arrangements. Time would be an excellent time for such a visit in California or, if you want to come in the fall, I would suggest early November, when harvesting will be in progress on many field crops and vegetables. I would like to know of any special places you would like to see.

Assuring you of my warm regards and high esteem, I am

Sincerely,


William Warren

209 EIGHT AVENUE
SACRAMENTO, CA 95811
TELEPHONE 916 442-0111

محترم تعاون و امور روستاها به آن اشاره کرده‌اند در آن گزارشها با تفصیل کامل بررسی شده است»

گو اینکه از دید انشاءکنندگان مطالب مشروحه فوق، ابراز این مطالب می‌تواند دلیلی بر خودداری نویسندگان گزارش از تشریح و تعریف اجزای مختلف برنامه همه‌جانبه اصلاحات ارضی در دوران سازندگی آن (از قبیل تشکیل شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی، ادغام شرکت‌های تعاونی روستایی کوچک و مجاور در یکدیگر، تعلیم و تربیت مدیران عامل حرفه‌ای شرکت‌های تعاونی روستایی با کمک و مساعدت ارتش شاهنشاهی، تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، تشکیل خانه‌های فرهنگ روستایی، اجرای تدریجی قانون بیمه‌های اجتماعی روستایی‌ان، ترویج و توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی و صنایع دستی روستایی، استقرار تدریجی صنایع غذایی و صنایع کوچک کشاورزی در مناطق روستایی، عمران و نوسازی روستاها، تأسیس و ساختمان حوزه‌های عمران روستایی در جهت ادغام عملی دهات مجاور در یکدیگر، آموزش تعاونی روستایی‌ان و غیره...) باشد ولی بیان این مطالب در هیچ حال نمی‌تواند دلیلی بر خودداری مسئولان امر از اصلاح آن قسمت از مطالب ناقص و یا احياناً نادرست گزارش چاپ و منتشر شده کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان پیرامون انقلاب شاه و ملت باشد و، به این ترتیب، موجبات سوءتفاهم و تحریف واقعیات را در زمینه اجرای برنامه‌ای فراهم نماید، که براساس اظهارنظر گروه بررسی مسائل ایران و تمامی اندیشمندان این مرزوبوم مهم‌ترین اصل انقلاب شاه و ملت شناخته شده و می‌شود، و به این جهت، این جانب مجدداً اهم نظرات خود به شرح مندرج در قسمت‌های دوم و سوم و چهارم و پنجم اظهارنظر اولیه را، که گروه بررسی مسائل ایران در توضیحات اخیر خود از هر گونه اظهارنظر مثبت یا منفی درباره آنها خودداری نموده است، عیناً به همین ترتیب که قبلاً اعلام شد، به شرح زیر تکرار و امیدوارم که مورد توجه و اعلام نظر مسئولان امر در جهت اصلاح گزارش چاپ و منتشر شده کمیته واقع شود؛

۲. در گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان پیرامون انقلاب شاه و ملت اظهارنظر شده که:

«نهضت تعاون کنونی ایران یک حرکت امدادی و کمکی بود که اگر به موازی اصلاحات ارضی صورت نمی‌گرفت توان خانوار روستایی را، با مضایقات مالی ناشی از

غیبت عنصر مالک از صحنه مدیریت مالی و حاکمیت ده، از میان می‌برد. ضرورت فوق موجب شد که رشد کمی تعاونیهای روستایی در کمترین فاصله زمانی درست برابر طی دوره تقسیم زمین به حداکثر ممکن برسد به طوری که هم‌اکنون در برابر هر تعاونی روستایی ۳ تا ۴ ده قرار می‌گیرد» (صفحه ۴۷ گزارش کمیته)

با اینکه کمیته با چنین اظهارنظری اقدام دولت در زمینه رشد کمی تعاونیهای روستایی را در جهت پرکردن خلأ ناشی از طرد مالکان از صحنه روستاها غیرقابل اجتناب تلقی می‌نماید، مع الوصف، بلافاصله به دنبال این اظهارنظر اضافه می‌نماید که: «رشد کمی تعاونیهای روستایی، گرچه در نظر اول امیدوارکننده و پیش‌راننده برنامه‌های عمران روستایی است، لکن تکیه شدید بر توسعه کمی در عمل منتهی به محدود ساختن نقش آنها شده است به طوری که تعاونیهای روستایی، که طبق اساسنامه خود چند منظوره‌اند، امروز جر یک منظور اصلی یعنی پرداخت وام و گاهی فروش نفت و بعضی مواد مصرفی را بعهده نمی‌گیرند، (صفحه ۴۷ گزارش کمیته)

و حال آنکه این اظهار نظر کمیته در مورد نقش تعاونیهای روستایی و به ترتیبی که در گزارش مطرح گردیده با واقعیت تطبیق نمی‌کند و شرکتهای تعاونی روستایی متشکله در کشور با وجود درگیری با مسائل قابل توجهی که:

«مسئولان کارها در سطوح منطقه‌ای و ملی به خوبی به آنها آگاهند و خوشبختانه امتناعی هم از بیان آن ندارند» (نقل از صفحه ۱۵۵ کتاب اصول و مبانی تعاون، چاپ دوم به قلم آقای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه تهران) و برای رفع این مشکلات نیز به دنبال چاره‌اندیشیهای لازم اقدامات مربوط در دست انجام است، در حدود امکان وظایف متنوع و چشمگیری را انجام داده و براساس اظهارنظر صریح آقای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه تهران و رئیس گروه مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت در کتاب اصول و مبانی تعاون:

«این شرکتها در کار تهیه و توزیع کودهای شیمیایی و انواع بذر و سموم شیمیایی دفع آفات نباتی و زراعتی و حفر چاههای عمیق و غیر عمیق و تعمیر و لایروبی قناتها و بازاریابی برای محصولات کشاورزی و فروش مواد نفتی مصرفی روستاییان و تأمین بعضی دیگر از کالاهای مورد نیاز آنان از قبیل قند و شکر، چای، چراغهای خوراکی و نفت سوز، روغن نباتی، صابون، پارچه، کفش و غیره فعالیت می‌کنند...

ایجاد شرکتهای تعاونی روستایی، با مقیاس وسیع و تعداد زیاد، در چنین مدتی کوتاه،

و تأمین موجبات فعالیت آنان به میرانی که حداقل نیازهای روستاییان را تأمین کنند و از پیدایش خلاء مدیریت بعد از نابودی نظام ارباب و رعیتی و شیوه بزرگ مالکی جلوگیری نمایند کاری بزرگ و دشوار بود که بر روی هم به خوبی صورت گرفت.

فراموش نباید کرد که در کشورهای دیگری که به کار اصلاحات ارضی و بنیان‌گذاری شرکتهای تعاونی روستایی پرداختند و در بسیاری موارد نیز از کمکهای مالی و فنی قابل توجه کشورهای بزرگ صنعتی و یا سازمان‌های بین‌المللی بهره‌مند بودند، نتایج به دست آمده در مدت زمان طولانی‌تر به مراتب کمتر است...» (نقل از صفحات ۷۷ و ۱۵۵ و ۱۵۶ کتاب اصول و مبانی تعاون، چاپ دوم، به قلم دکتر هوشنگ نهادندی رئیس دانشگاه تهران)؛

۳. در گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان پیرامون انقلاب شاه و ملت تحت عنوان تحول در روستاها اظهار نظر شده که:

«بدون تردید باید گفت که بهترین تحول ساختی در روستاهای ایران صورت گرفت. تقسیم ارضی، که به ظاهر تغییری در نهاد مالکیت بود، بنیان ساختهای قدیم فکری و اجتماعی را برافکند. روابط تولیدی و به دنبال آن روابط انسانی دگرگون شد.

ده‌نشین ایرانی که جز راه و رسم طایفه‌ای خود و دستورات ارباب، قانون و ضابطه‌ای نمی‌شناخت و جهانش در محدوده روستای تک افتاده‌اش خلاصه می‌شد، با جامعه کلی رابطه پیدا کرد. با دهقانان دیگر که از جاههای دیگر این سرزمین آمده بودند، نشست و برخاست کرد و به مسائل مشترکی که داشتند وقوف یافت. رادیو و سپاهی، تازه‌های علم و رویدادهای جهان را برایش به ارمغان آوردند. احساس کرد که کار تولیدی او در مجموعه‌ای از جریانات اقتصادی ملی و حتی بین‌المللی قرار دارد...»

هرچند که از لحاظ اقتصادی هنوز همه یکسان بهره نبرده‌اند و هنوز میان صاحب نسق پیشین که مالک زمین شد، با خوش‌نشینانی که طبقه کارگر، کشاورز را تشکیل داد تفاوتی هست اما از لحاظ اجتماعی دگرگونی همه‌گیر بود...» (صفحه ۷۴ گزارش).

در اینجا با توجه به قسمت اخیر این اظهار نظر برای جلوگیری از ایجاد هرگونه سوء تفاهمی یادآوری مجدد این مراتب ضروری است که:

اولاً براساس مفاد بند ۲ ماده اول قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی: «زارع کسی است که مالک زمین نیست و با دارا بودن یک یا چند عامل زراعتی شخصاً و یا کمک افراد خانواده خود در زمین متعلق به مالک مستقیماً زراعت می‌کند و مقداری از

شماره
تاریخ ماه ۱۳
پوست



وزارت تعاون امور روستاها

22 September 1971.

His Imperial Majesty, Shahنشاه Aryamehr,
Sa'ad Abad Palace.

Your Majesty,

I write to express my heartfelt thanks to you for the gracious audience you gave me yesterday at the Palace and to say how honoured I was by this and how much I appreciated meeting you again.

Thank you also for your interest in the text of the book "The King's Vista" which I am engaged upon as an authentic account of the epic land reform policy directed by you and your ministers over the last twenty years.

May I reiterate that, if I can in any way advise your Majesty or Dr Vallian on the development of a higher education policy for the teaching of land economy and land management in the universities, I am happily at your disposal to do so.

I remain Your Majesty's
obedient servant,

D. R. Benman
Professor of Land Economy
Cambridge University

محصول را به صورت نقدی یا جنسی به مالک می‌دهد» و هدف از اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی چیزی جز این نبوده و نیست که زارعین کشور مالک نسقهای زراعتی خود شوند (و این اقدامی است که انجام شد) و طبقات خوش‌نشین و گاو بند و برزگر و کارگر کشاورزی و غیره با اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به وجود نیامده‌اند و مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی نگردیده. و امکان‌پذیر نبوده و نیست که قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به ترتیبی اجرا می‌شد که این قبیل طبقات نیز مالک اراضی زراعتی می‌شدند؛ زیرا در صورت وجود چنین نحوه تفکری باید روشن شود که اراضی زراعتی چه اشخاصی باید بین این طبقات تقسیم می‌شد؟ و آیا امکان‌پذیر بود که قسمتهایی از نسقهای زراعتی زارعین مملکت نیز بین این طبقات تقسیم می‌شد؟

آنچه مسلم است طبقاتی تحت عنوان خوش‌نشین و برزگر و کارگر کشاورزی در مناطق روستانشین کشور وجود دارند که با توسعه روزافزون بخش صنعت و خدمات کشور و استقرار صنایع غذایی و ترویج و توسعه تاریخی فعالیت‌های غیرکشاورزی در مناطق روستانشین، موجبات استفاده آنان از سطح اشتغال بیشتری فراهم خواهد شد ولی تأکید مجدد این نکته ضروری است که طبقات خوش‌نشین و برزگر و کارگر کشاورزی با اجرای برنامه اصلاحات ارضی ایران به وجود نیامده‌اند.

ثانیاً، کشاورزی کسی است که شخصاً و یا با استفاده از کارگر کشاورزی و ماشین‌آلات کشاورزی بر روی اراضی متعلق به خود به انجام فعالیت‌های کشاورزی مشغول بوده و چون دارای زارع صاحب نسق نبوده مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی نگردیده و اراضی مزروعی او کماکان در اختیارش باقی مانده است؛ و بدین ترتیب، نام بردن از: کشاورز، در عداد و ردیف خوش‌نشین و کارگر بدون زمین و به ترتیبی که به صورت فعلی در صفحه ۷۴ گزارش کمیته مطرح گردیده است قابل توجیه نیست؛

۴. در گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان اظهار نظر شده که: «در روستاهایی که شرکتهای تعاونی و خصوصاً شرکتهای سهامی زراعی تأسیس شدند، شکل نوی از مشارکت پدیدار گشت و اگر هم در بعضی جاها، چنان که باید، پیشرفت نکردند بیشتر به خاطر آن بود که گرداننده‌گانش از راه و روش سستی روستایی ایران آگاهی لازم نداشتند» (صفحه ۷۵ گزارش)

در اینجا اشاره به این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است که عدم آگاهی از روش سستی

روستایی ایران نه تنها در هیچ مورد موجبات برخورد با مشکلاتی را در زمینه پیشرفت شکل نوی از مشارکت در منطقه عمل شرکتهای تعاونی روستایی و شرکتهای سهامی زراعی فراهم نموده بلکه برعکس، در مواردی، درگیری با بعضی از ستهای شناخته شده مانع از استقرار شکل نو مشارکت در مناطق روستائین کشور بوده و برای اشاره به نوعی از این قبیل گرفتاریها توجه به این واقعیت لازم است که نسلهای پی در پی در این کشور مسئله نیاز آموزش و بهداشت در روستا را نادیده گرفته بودند. در این زمینه نه تنها یک زیربنا وجود نداشت، که براساس آن یک ساختمان نو به وجود آوریم، در هر قدم، در این راه با یک مشکل موروثی و سستی روبه‌رو بوده‌ایم. به عنوان مثال، اگر سپاهی بهداشت به ده می‌فرستیم نباید فراموش کنیم که در مواردی او باید در قدم اول با حکیم‌باشیها و رمالها و دعانویسها روبه‌رو شود، سپاهی دانش باید با مکتبدارها، نخوانده ملاها و کسانی که مخالف آموختن دانشهای امروزی هستند دست و پنجه نرم کند؛

۵. در گزارش کمیته سیاسی و مرامی اجتماع دانشگاهیان و اندیشمندان فقط در یک مورد به فلسفه تشکیل شرکتهای سهامی زراعی اشاره شده و آن هم به این شرح: «... ایجاد شرکتهای سهامی زراعی که تلفیقی است از فکر تعاونی و مالکیت خصوصی» (صفحه ۸۷ گزارش)

واقعیت امر این است که در زمینه تعریف شرکتهای سهامی زراعی که به ابتکار شاهنشاه آریامهر تشکیل شده و می‌شود، و به دنبال تقسیم زمین میان کشاورزان به عنوان یکی از وثایق پیروزی برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی ایران شناخته شده و نتایج تجربیات جمع‌آوری شده از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی متشکله در سالهای اخیر، نمایندگان این واقعیت غیرقابل انکار است، نباید فقط در حد تلفیقی از فکر تعاونی و مالکیت خصوصی اکتفا شود و از دیدگاه یک بررسی سیاسی و مرامی تأکید بر این مطلب اجتناب‌ناپذیر است که براساس تعریف قانونی:

شرکتهای سهامی زراعی به منظور فراهم نمودن موجبات افزایش درآمد سرانه کشاورزان و آشنا نمودن زارعان به اصول و شیوه‌های پیشرفته کشاورزی و دامداری و دامپروری و جلوگیری از خرد شدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات کوچک غیر اقتصادی (به خصوص پس از فوت زارع و به تبعیت از قوانین ارث) و افزایش میزان سطح زیرکشت کشور با استفاده از اراضی بایر و موات و مسلوب‌المنفعه و ترویج و توسعه

فعالیت‌های غیرکشاورزی و به خصوص صنایع دستی روستایی و ادغام عملی دهات مجاور در یکدیگر (با تشکیل واحدهای روستایی) تشکیل شده و می‌شوند.

در خاتمه، با توجه به قسمت چهارم اظهارنظر اخیر گروه بررسی مسائل ایران به این شرح که: «آخرین نکته‌ای که یادآوری آن ضروری است تأکید بر ضرورت تحول تعاونیها در جهت واحدهای غیردولتی است که مستقلاً از طرف اعضای آنها اداره شود. این نکته‌ای است که مکرراً مورد تأکید رئیس مملکت قرار گرفته و حتی در شرفیابی دانشگاهیان و اندیشمندان با صراحت و قاطعیت به آن اشاره فرموده‌اند. تجربه ناکام بسیاری از کشورهای در حال توسعه (چون الجزایر) در زمینه تبدیل تعاونیها به واحدهای کاملاً تحت نظر دولت، حکایت از دوراندیشی و واقع‌بینی شاهنشاه آریامهر در این بینش دارد؛ و اصولاً باید متذکر بود که طبیعت یک شرکت تعاونی واقعی (که براساس خودیاری و مشارکت مستقیم اعضا در مدیریت نهاده شده) با نحوه مدیریت مبتنی بر سلسله مراتب اداری مباین است. یقین است که این نکته مورد توجه کامل وزارت تعاون و امور روستاها قرار داشته و دارد.» و برای جلوگیری از هر گونه سوءتفاهمی در زمینه نحوه تشکیل و اداره شرکتهای تعاونی روستایی ایران، توضیح این مطلب را لازم تشخیص می‌دهم که شرکتهای تعاونی روستایی ایران، به تبعیت از اراده آزاد دهقانان و زارعانی که با اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی صاحب آب و ملک شخصی شده‌اند، تشکیل، و براساس مفاد اساسنامه‌هایی که به تبعیت از ضوابط و تشریفات جاری مملکت برای تصویب آنها مقرر گردیده به تصویب رسیده‌اند، و با خودیاری و مشارکت مستقیم اعضا در مدیریت آنها وسیله اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل و بازرسانی که مجمع عمومی شرکتهای نسبت به انتخاب آنها اقدام نموده و می‌نمایند اداره شده و می‌شوند؛ ولی، در اجرای اوامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در جهت کمک و راهنمایی و آموزش تعاونی اعضای این شرکتهای و فراهم نمودن سایر تسهیلات مورد نیاز آنان دولت در حدود امکانات خود، اقدامات پیگیر و همه جانبه‌ای را انجام داده و می‌دهد؛ و همانطور که از سالها قبل (و قبل از تشکیل گروه بررسی مسائل ایران) در فرصتهای مقتضی وسیله جراید و سایر وسائل ارتباط جمعی بارها اعلام گردیده، در اجرای اوامر مطاع شاهانه هدف دولت در ترتیب برخورد با امور این شرکتهای چیزی جز این نبوده و نیست که دخالت‌های امروز دولت در زمینه فراهم نمودن تسهیلات مورد نیاز این شرکتهای و رفع مشکلات آنها به تدریج به

نوعی نظارت، و آن هم براساس آنچه که در قانون شرکتهای تعاونی مملکت پیش‌بینی شده، تبدیل شود.

مجدداً تأکید می‌نمایم که در مرحله نوسازی اجتماع روستایی ایران درست بدان سبب که هدفهای بزرگ و چشمگیری را در جهت پرکردن فاصله موجود بین زندگی شهری و روستایی انتخاب کرده‌ایم با مشکلات و کمبودهای شناخته شده‌ای مواجه هستیم که در طول دهه آینده نسبت به رفع آنها اقدام خواهد شد و در این راه با غیرممکنی روبه‌رو نیستیم چون در دهه گذشته در این کشور خیلی از غیرممکنها جای خود را به ممکن داده‌اند.

عبدالعظیم ولیان،
وزیر تعاون و امور روستاها

[۵۳-۳۲۳-۷۵۴و]

[۱۷]

[اجازه شاه درباره اجرای پیشنهاد وزیر تعاون در خصوص یکی از مقررات اصلاحات ارضی]

نخست‌وزیری

اداره حفاظت

از سن موریتس به تاریخ ۱۳۵۲/۱۰/۲۷

جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر،

۱-۳۵-۲۰۴م

از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشت. اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر پیشنهاد وزیر تعاون را تصویب فرمودند.

سپهد دکتر ایادی^{۳۷}

۱۳۵۲/۱۰/۲۷-۲۶۶

[در حاشیه:] اداره کل حقوقی: این تلگراف و تلگراف ضمیمه که به پیشگاه مبارک

شاهنشاه آریامهر مخایره شده است. روی سابقه بایگانی شود. ۱۰/۲۹

* * *

۳۷. دکتر عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه، هنگام سفر یا غیر از آن نقش منشی و یار نزدیک شاه را برای فرستادن و گرفتن پیامهای سیاسی و اداری انجام می‌داد.

تیمسار سپهد دکترایادی،

خواهشمند است مراتب زیر را به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه برسانید و اوامر مطاع مبارک را ابلاغ فرمایند:

وزیر تعاون و امور روستاها^{۳۸} به عرض می‌رساند که در اجرای اوامر مطاع مبارک ملوکانه بر اساس قانون، نحوه انتقال اراضی واگذاری به زارعین مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مصوب ۳۸ آذرماه ۱۳۵۱، زارعینی که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی، اراضی و حقاچه‌هایی به آنان منتقل شده یا بشود می‌توانند، با اجازه وزارت تعاون و امور روستاها، حقوق خود را در آن اراضی منحصرأ به زارع صاحب نسق ساکن محل وقوع اراضی مورد انتقال یا به شرکتهای تعاونی روستایی و شرکتهای سهامی زراعی منتقل کند [کنند] و در صورتی که اراضی مزروعی تقسیم شده با تأیید وزارت آبادانی و مسکن مورد نیاز اجرای برنامه‌های خانه‌سازی و یا با تأیید وزارت اقتصاد مورد احتیاج واحدهای صنعتی و معدنی باشد وزارت تعاون و امور روستاها براساس تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی اجازه انتقال این قبیل اراضی را صادر می‌نماید، ولی اراضی مزروعی خالصه، که طبق قانون فروش خالصجات زارعین مربوط واگذار شده و می‌شود، تابع قوانین فوق نیست و زارعین اراضی مزروعی خالصجات پس از مدت ده سال اراضی واگذاری را به میل خود به هر کس و به هر قیمت که مورد تراضی آنها باشد می‌فروشند و از این راه ضمن مخدوش نمودن فاصله تقسیم اراضی زراعتی خالصه بین زارعین کشور، در مواردی نیز به حقوق قانونی دولت تجاوز می‌شود کمااینکه اخیراً در منطقه اهواز به نام اجرای قانون فروش خالصجات مقدار ۸۲۷ هکتار از اراضی خالصه دولت واقع در چند کیلومتری شهرستان اهواز از قرار متری یک ریال و پنجاه دینار (هکتاری پانزده هزار ریال) به وراث شخصی به نام سنائی زاده فروخته شده و همین اراضی به فاصله کوتاهی وسیله خریداران طی تنظیم دو فقره سند به مبلغ هشتصد و هشتاد و پنج میلیون و ششصد هزار ریال به افراد دیگری فروخته شده است؛ و این امکان و خود دارد که قیمت فروش اراضی مورد بحث به مراتب بیشتر از آن است که در سند رسمی قید شده باشد.

ضمن اینکه هم‌اکنون بازرسان وزارت تعاون و امور روستاها مشغول رسیدگی به تخلف مأموران ذیربط می‌باشند وزیر تعاون و امور روستاها استدعا دارد که در صورت تصویب اراده مبارک همایونی با اضافه نمودن تبصره‌ای به لایحه بودجه کل کشور انتقال اراضی مزروعی خالصه واگذار شده به زارعان این قبیل اراضی نیز، تابع ضوابط و قواعد مربوط به انتقال اراضی مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی باشد که به شرح قوی از شرف عرض پیشگاه مبارک همایونی گذشت.
امیرعباس هویدا
[۵۷-۳۲۳-۷۵۴و]

[۱۸]

[نامه سرلشکر پاکروان به سرلشکر مزین و تأیید اعمال و روشهای وی در گرگان و دشت]

نخست‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

۲۹۵

تاریخ: ۴۱/۸/۳۰
شماره: ۱۰۰/۱۵۴۶

خیلی محرمانه

تیمسار سرلشکر مزین، نماینده مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در گرگان و دشت و گنبد

موضوع...

عطف به شماره ۴۱/۸/۲۰-۱۰۷۹، شکی نیست که تیمسار به بهترین وجه، بلکه به تنها طریق ممکن، اقدام می‌فرمایند و به ایرادات و کنایه‌هایی که ممکن است بشود هیچ‌گونه وقعی نخواهند گذارد. محققاً به همین ترتیبی که شروع فرموده‌اید موفقیت کامل نصیب تیمسار خواهد بود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سرلشکر پاکروان^{۳۹}

[۵۲۲۸۵]

۳۹. سرلشکر حسن پاکروان؛ تحصیلات نظامی در فرانسه، استاد دانشکده افسری، طی مراحل مختلف نظامی. در سال ۱۳۳۰ رئیس رکن دو ارتش. پس از تشکیل ساواک معاون بختیار گردید. با برکناری بختیاری در سال ۱۳۳۹ به ریاست ساواک رسید. در سال ۱۳۲۳ برکنار شد و نصیری جای وی را گرفت. در شهریور ۱۳۲۵ سفیر ایران در پاکستان و سپس فرانسه شد. از سال ۵۲ تا سال ۵۷ سرپرست مالی دربار بود.

درخواست سرلشکر مزین از تیمسار فردوست برای ایجاد هماهنگی کامل مسئولان
اصلاحات ارضی در گرگان و دشت با دستورات وی [

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

تلگراف

تهران - جناب آقای هیراد، ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی، برای عرض گزارش
فوری متمنی است از پیشگاه مبارک شاهنشاه کسب اجازه فرمایند. به تهران عزیمت و
فوراً مراجعت نمایم.

سرلشکر مزین^{۴۰} $\frac{۱۲۳۹}{۴۱/۹/۱۴}$

دربار شاهنشاهی

املاک و مستغلات پهلوی

تلگراف

۲۹۶

تهران - ساواک - تیمسار فردوست

تلگرافی به وسیله دفتر مخصوص استدعای شرفیابی نمودم؛ ولی به علت کثرت کار
نمی‌توانم از اینجا غفلت کنم. متمنی است به شرف عرض پیشگاه مبارک برسانند از
طرف وزیر کشاورزی دستور اصلاحات ارضی این منطقه با تأکیدات زیاد به رئیس
کشاورزی محل صادر شده، مشارالیه چون می‌داند این منطقه با سایر مناطق تفاوت
فراوان دارد و صدی نود و پنج قراء و آبادیها جزو املاک می‌باشد؛ و از طرفی این‌جانب
مشغول همان اصلاحات ارضی هستم که مورد نظر شاهنشاه است و اگر اعلانی صادر
کنند این منطقه پس از پنج ماه زحمت مجدداً به روز اول برمی‌گردد. تاکنون از

۴۰. سرلشکر منصور مزین؛ متولد ۱۲۸۰ شمسی، تحصیلات در مدرسه نظام و دانشگاه جنگ تهران، فرمانده
لشکر دوم تهران، ریاست شهرداری و پس از آن بازنشسته گردید. بعد از مدتی انجام کارهای خصوصی سمت
ریاست املاک سلطنتی در گرگان و دشت و گنبد به وی داده شد. وی سالها در این سمت باقی ماند و با
خشونت بسیار به نفع دربار در این اراضی حکومتی خودمختار به راه انداخته بود. وی در این سمت زمینهای
فراوانی در بهترین نقاط مازندران را به سران بلندمرتبه نظامی و غیرنظامی و از جمله فردوست و نصیری
اهدأ کرد که متن سند ۱۹ گویای همکاری وی با این‌گونه افراد است.



[۷۲-۱۲۵]

اعلان دستور در روزنامه و شهرستان و قراء خودداری نموده ولی مجبور است دستور وزارتخانه مربوطه را انجام دهد، که با وضع فعلی این منطقه این اقدام به هیچ وجه صلاح نیست و به کلی برنامه‌ای که تنظیم نموده و مشغول اقدام هستیم از بین خواهد رفت.

بنابراین؛ از پیشگاه مبارک شاهنشاه استدعا نمایند اجازه فرمایند اصلاحات اراضی ارا که فعلاً در این منطقه شروع نموده‌ام و به تمام زارعین با اصول صحیح زمین داده می‌شود و در عین حال بایستی اراضی اشخاصی که به آنها زمین فروخته شده تحویل نمود، به وسیله خود این جانب اقدام شود و از هر گونه اعلام و اقدامات جداگانه از طرف کشاورزی خودداری شود؛ و بر فرض که در موردی بایستی اقدامی بشود حتماً با نظر و مشورت این جانب اقدام شود؛ و در غیر این صورت، اجازه فرمایند شخصاً شرفیاب و توضیحات بیشتری بدهم. در هر حال، خود این جانب برنامه اصلاحات ارضی را در این منطقه عهده‌دار می‌شوم و محتاج به اقدامات مخصوص و جداگانه‌ای نیست که در موقع ملاقات با آقای وزیر کشاورزی معلوم شد ایشان را هم دچار همین اشتباه نموده است. بنابراین، از پیشگاه مبارک شاهنشاه استدعا می‌نمایم، در صورت تصویب، امر و مقرر فرمایند اصلاحات ارضی این منطقه که به بهترین نحوی مشغول اجرای آن هستیم و عموم زارعین واقعی صاحب زمین شده و خواهند شد و اسناد آنها نیز قریباً به دست مبارک شاهنشاه به آنها مرحمت می‌شود، بدون دخالت احدی، ادامه یابد. و جان‌نثار اطمینان می‌دهد در این منطقه عموم زارعین واقعی، حتی آنهایی که در نتیجه اشتباه مأمورین سابق اسامی‌شان در قرعه‌کشی از قلم افتاده یا آنکه با وجود در دست داشتن سند زمینشان تحویل نشده، همگی صاحب زمین گردند؛ ولی اجرای این برنامه به علت بی‌ترتیبی و بی‌نظمی‌هایی که از سابق در امور املاک ایجاد کرده‌اند مدتی وقت لازم دارد و با عجله و شتاب مقدور نیست.

همچنین بایستی به شرف عرض مبارک برسانم که بعضی از متنفذین محلی با حيله و تزویر سالها هزارها هکتار زمین املاک را تحت کشت خود در آورده و امروز خود را زارع معرفی می‌کنند که در مورد این اشخاص نیز نظریه شاهنشاه کاملاً به موقع اجرا گذارده خواهد شد؛ یعنی زمین مازاد آنها بین زارعین بدون زمین تقسیم می‌شود؛ ولی شرکتها و اشخاص غیر محلی، که به فرمان مبارک شاهنشاه به منظور کمک به وضع مالی و زندگی آنها (که چندین سال خدمت کرده‌اند) به آنها زمین داده شده و به وسیله ماشین مشغول کشت هستند به هیچ وجه نمی‌توان مشمول اصلاحات ارضی نمود. علی‌هذا، با

توضیحات معروض فوق، چون دخالت اشخاص ناوارد برنامه تنظیم شده را از راه خود منحرف و غیرعملی خواهد نمود از پیشگاه مبارک مستدعی است؛ در صورت تصویب، امر و مقرر فرمایند اصلاحات ارضی این منطقه، به موجب فرامین صادره، طبق برنامه تنظیم شده، بدون دخالت سایرین، ادامه یابد؛ و چنانچه مأمورین کشاورزی نظریاتی داشتند بدون مراجعه به جاننثار عمل مستقیمی انجام ندهند.

جاننثار، سرلشکر مزین

[۵۲۲۸۸ تا ۵۲۲۸۶]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی